نامهٔ مردم
ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

دورهٔ هفتم ، سال دوم ، شمارهٔ ۳۱۷
سه‌شنبه ۴ شهریور ۱۳۵۹ ، بها : ۱۵ ریال

تا سرکوب قطعی توطئه‌های امریکا، آماده‌باش باید برقرار باشد

«ستاد عملیات مشترک غرب کشور» آماده‌باش داده است. این آماده‌باش، که پس از ماهها تجاوزات محلی پی در پی نیروهای رژیم بعثی عراق، تحریکات دامنه‌دار و عملیات تخریبی آنها در منطقه غرب و جنوب غربی ایران، تمرکز نیروهای عراقی در مرزهای جمهوری اسلامی ایران، و در پی پرواز مکرر هواپیماهای عراق در آسمان غرب کشور داده شده است، کمال اهمیت را داراست.

اکنون مدت درازی است که رژیم بعثی عراق آن سرزمین را بیکی از کانونهای توطئه مداوم ضدانقلاب پرورده امپریالیسم آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران مبدل کرده است.

دامنه این توطئه، تحریکات و خرابکاریها تنها به منطقه کردستان و خوزستان محدود نمیشود. این توطئه بخشی از نقشه گسترده‌تری است که امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، علیه ایران و انقلاب شکوهمند آن طرح‌ریزی کرده، اجرای آنرا تدارک دیده و مراحلی از آنرا (البته با ناکامی و شکست مفتضحانه) آزموده است. در این نقشه تجاوزکارانه منطقه وسیعی از مرزهای جمهوری اسلامی ایران با ترکیه گرفته، تا غرب و جنوب‌غرب (مرزهای عراق) جنوب (سواحل خلیج فارس) و جنوب شرق (مرزپاکستان) درنظر گرفته شده‌است.

چندی پیش (اواسط تیر ماه) رسانه‌های گروهی خبردادند که امریکا حمایت دولت ترکیه را برای اقدامات احتمالی خود و یا گروههای وابسته (آدمکشان ضدانقلابی) علیه جمهوری اسلامی ایران جلب کرده است. این امر به دنبال مسافرت پی در پی معاونین وزارت خارجه و وزارت دفاع امریکا به ترکیه صورت گرفت، و در مقابل تعهد افزایش کمك نظامی به ترکیه، از این دولت تعهد غیر رسمی گرفته شد که، ایالات متحده حق داشته باشد از فرودگاههای ترکیه برای اقدامات نظامی علیه ایران استفاده کند.

رژیم بعثی عراق، که دیگر هرگونه پرده استتاری را بکنار انداخته، با نقض خشن کلیه مقررات و موازین بین‌المللی، سرزمین کشور همسایه غربی ما را به کانون توطئه های گسترده عمال امپریالیسم چون اشرف‌ها، بختیارها، اویسی‌ها، پالیزبانها، قاسملوها و غیره مبدل کرده‌است.

درخلیج فارس امپریالیسم امریکا نیروهای دریایی، ناوهای هواپیمابر، پیاده‌نظام دریایی و دیگر نیروهای نظامی خود را بنام «نیروهای واکنش سریع» متمرکز کرده‌است، که دربارهٔ کمیت وکیفیت آنها وسایل ارتباط جمعی بقدر کافی خبر داده، حتی تصاویر آنها را منتشر کرده‌اند.

بقیه در صفحه ۸

محدود ساختن فعالیت سازمانهای انقلابی بسود انقلاب نیست

امپریالیسم آمریکا از همان آغاز پیروزی انقلاب، در برابر انقلاب و جمهوری اسلامی ایران موضع خصمانه گرفت، با همه تدارکات جنگی‌اش در اقیانوس هند و خلیج فارس، با متحدان غربی و خیل کشورهای دست‌نشانده‌اش در منطقه، با مزدوران ایرانی‌اش در عراق، مصر، پاکستان و ... با جاسوسان گوش بفرمان در بندبند دستگاه دولتی و ارتش، با شبکه ساواکیهای سازمان‌یافته‌اش به پهنای کشور.

برای مقابله با این دشمن کین‌جو، قسی و درنده‌خو، انقلاب ایران نیز باید به تحکیم مواضع خود متقابلا همت گمارد و صفوف انقلاب را در برابر امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب دست‌پرورده‌اش، خارآگین سازد و آرایش رزمی دهد.

تردید نیست که ذخایر عظیمی از توان انقلابی در مردم وجود دارد، که باید از آن برای مقابله با دشمن مدد گرفت و آنرا در خدمت دفع امپریالیسم و تثبیت و تحکیم انقلاب گماشت.

توان انقلابی مردم زمانی خواهد توانست تجلی عینی یابد، که مردم تجهیز شوند، و تجهیز مردم به آن معناست که، برای سرکوب توطئه‌های امپریالیسم و ضدانقلاب، همهٔ مردم انقلابی، صرفنظر از تعلق‌شان به این یا آن سازمان سیاسی، به این یا آن مکتب و جهان‌بینی بسیج شوند و زیر مبرم‌ترین شعار روز، درسنگر واحد و علیه دشمن واحد، عنان بر عنان به‌پیش روند.

برای آنکه بتوان در سرکوب دشمن از نیروهای صادق انقلابی بحدکمال سود برد، باید به این نیروها در فعالیت سیاسی‌شان آزادی عمل داد. باید بند و زنجیر ازدست و پا و زبانشان گشود، تا تمامی قدرت تشکل و سازماندهی و افشاگری‌شان را به منصهٔ ظهور آورند، و نه آنکه بردست‌وپاوزبان‌شان بندنهادو عرصهٔ فعالیتشان را تنگ و تنگتر ساخت، که این بی‌تردید خواست ضدانقلاب است و خدمت به انقلاب نیست.

تجربه سایر کشورها وکشورما، تجربهٔ سایرجنبشهای ضدامپریالیستی و جنبش ضدامپریالیستی میهن ما، می‌آموزد که، امپریالیسم در تدارك توطئه‌های خود علیه نظامهای مترقی همواره نیازمند زمینه‌سازی‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی است. بی این زمینه‌سازیها، امپریالیسم‌شانس پیروزی ندارد. از اینجهت است که هم با خرابکاریهای خود و عمال خود اقتصاد کشور مورد نظر را تخریب میکند، هم تدارك نظامی می‌بیند، هم زمینهٔ سیاسی را فراهم میسازد.

امپریالیسم زمینه سیاسی علیه انقلابهای ضدامپریالیستی رابه‌شیوه‌های گوناگون آماده میکند، که کارآترین آن هیمه‌افکندن برآتش اختلافات، ایجاد جو تشنج ومحدود ساختن فعالیت آن گروهها وسازمان‌هائی‌است که باامپریالیسم‌سازش ـ ناپذیر و پشتیبانان سرسخت انقلابهای ضدامپریالیستی کشورخویشند.

ما در کشور خود، گواه زنده زمینه‌سازی امپریالیسم درهمهٔ عرصه‌ها هستیم:

در عرصه اقتصادی، دست تبهکار امپریالیسم از آستین سرمایه‌داران وابسته و فئودالها و مدیران طاغوتی بدرآمده، که از هیچگونه اخلال و خرابکاری در صنایع و بازرگانی و کشاورزی ما دریغ نداشته‌اند.

در عرصه نظامی دو توطئه «سیا» رابشکست نهاده‌ایم و در آستانه پیاده‌شدن سومین توطئه هستیم.

و در عرصهٔ سیاسی شاهد آنیم که چگونه در دورانی که اتحاد نیروها بیش‌از هروقت ضرورت عینی یافته، دستهائی درکارند تا جو اختلاف و تشنج را غلیظ کنند و با ایجاد درگیری میان سازمانهای مختلف سیاسی، فضای همگامی و همیاری را به خصومت و کین‌توزی بدل نمایند.

بقیه در صفحه ۸

حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی:
اگر درچارچوب قانون اساسی، گروهها حاضر باشند فعالیت سالم سیاسی کنند وقانون را مراعات کنند، مجلس ازفعالیت آنها حمایت خواهد کرد وباید اجازه بدهیم که قانونی باشند و فعالیت کنند

عصر دیروز، حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی ایران، در یك مصاحبهٔ مطبوعاتی درمحل تالار مطبوعات مجلس به‌پرسشهای خبرنگاران داخلی و خارجی پاسخ داد. از رئیس مجلس شورای اسلامی ایران پرسیده شد: «همانطورکه اطلاع دارید، اخیرا دادستان انقلاب در آبادان و خرمشهر فعالیت سیاسی مجاهدین، فدائیان، حزب توده‌وگروههای دیگر را ممنوع اعلام کرده است. با توجه‌به اینکه از طرف مجلس هیچگونه قانونی درخصوص منع فعالیت احزاب و گروهها تصویب نشده است، نظرشما بعنوان رئیس مجلس شورای اسلامی دراین‌مورد چیست و در رابطه با فعالیت گروههای سیاسی موجود مجلس چه تصمیمی رااتخاذ خواهد کرد؟»

حجت‌الاسلام رفسنجانی پاسخ داد: «همانطوریکه قبلاهم گفته‌ام اگر درچارچوب قانون اساسی، گروهها حاضر باشند فعالیت سیاسی کنند و قانون رامراعات کنند مجلس از فعالیت آنها حمایت خواهد کرد و باید اجازه بدهیم که قانونی باشند و فعالیت کنند... مشروط به مراعات قانون، مجلس تحقیقا حمایت از کارشان خواهد کرد».

حجت‌الاسلام رفسنجانی در پاسخ به سئوال خبرنگاری که پرسید: «قطب‌زاده گفته‌است که ایران تنهاکشوری است که درمورد گروگانها مقررات بین‌المللی رانقض کرده‌است، آیا این درست است؟» گفت: «خیر، ایران نقض نکرده‌است، بلکه این آمریکاست که‌مقررات بین‌المللی را نقض کرده‌است. ایران درمقابل آنهمه ظلم که ازطرف آمریکا دیده است یك‌عکس‌العمل کوچك انجام داده‌است».

ضدانقلاب درعمل
یك کارنامه‌سیاه‌و سراپا تبهکاری

صفحهٔ ۳ و ۶

صبر و تحمل آگاهانه انقلابی را به‌کارگران چاپ تبریك می‌گوئیم
کارگران انقلابی و آگاه صنعت‌چاپ تحریکات ضدانقلاب‌را برای ایجادتشنج و درگیری خنثی کردند

صفحهٔ ۷

معیار پاکسازی

سخنان آیت‌الله‌العظمی‌منتظری در مصاحبه با خبرنگار خبرگزاری پارس، که متن آنرا روزنامه‌ها (اول شهریور ۵۹) منتشر کردند، حاوی نکات بسیار جالب و مهمی است، بخصوص که ایشان این مسائل را پس از ملاقات با امام خمینی و با موافقت‌ایشان اظهار داشته‌اند.

آیت‌الله منتظری در این‌مصاحبه مسئله‌ای را مطرح میکند که در هر انقلاب اصیلی یکی از مهمترین مسائل است: **با روشنفکرانی که‌از رژیم سابق بجای میمانند، چه باید کرد؟**

در نظام شاهنشاهی طبقات حاکم میکوشیدند، روشنفکران را طبق «قالب» دلخواه خودشان تربیت کنند، ایدئولوژی خودشان را به آنان‌تزریق نمایند وآنان‌را بخدمت‌خود بکمارند، و بهمین دلیل نیز به آنان‌که تسلیم میشدند، حقوقهای گزاف‌می‌پرداختند، تا آنان را «راضی» نگاه دارند. بدیهی است که آنان باسباب این «رضایت» را از جیب زحمتکشان فراهم می‌کردند.

ولی می‌دانیم که روشنفکران‌قشر یکدستی نیستند. روشنفکرانی‌هستند چون‌هویدا و آموزگار وشریف‌امامی و.. که از کارگزاران مستقیم رژیم گذشته‌اند و شریك جرم تمام‌جنایات آن. روشنفکران دیگری هستندچون ارانی، ابراهیمی، گلسرخی و... که سرسختانه یا رژیم دست‌نشانده‌پهلوی مبارزه کرده و برخی در این مبارزه جان خود را فدا کرده‌اند. اما توده روشنفکران، نه از گروه اولند و نه از گروه دوم.

برخورد انقلاب با هریك از دو گروه بالا روشن است:

گروه اول را طرد میکند و، برحسب میزان جرمی که مرتکب شده‌اند، آنان را مجازات میکند، عطایشان را به لقایشان می‌بخشد و هر قدر هم متخصص‌و عالم «برجسته» باشند، آنانرا از صحنه زندگی اجتماعی میراند. در بین این گروه عالم حقیقی نیز بندرت دیده میشود والنادر کالمعدوم.

گروه دوم از روشنفکران را انقلاب در آغوش خود می‌پذیرد و از آنان، برحسب تخصصشان، حداکثر استفاده را میکند.

این تقسیم‌بندی درمورد روحانیان نیز صادق است. آنان در حقیقت روشنفکران‌متخصص در امور مذهبی هستند. گروهی از آنان در خدمت‌به نظام شاهنشاهی بوده‌اند و گروهی دیگر در مبارزه با نظام شاهنشاهی شکنجه‌ها و زندانها دیده‌اند وبرخی نیز جان خود را از دست داده‌اند.

مسئله مهم در انقلاب برخورد با دو قشر بالا، چه در میان‌روحانیان‌و چه در میان روشنفکران، بمعنای خاص کلمه نیست، بلکه برقراری ارتباط صحیح با توده روشنفکرانی است، که در فاصله میان این دو گروه جا گرفته‌اند. کار سازندگی پس از انقلاب، بدون استفاده‌وسیع از این توده روشنفکر امکان‌پذیر نیست. برای یك لحظه تصور کنید که، معلمان سر کلاس نروند، مهندسان کارخانه را ترك کنند، پزشکان دست‌از انجام وظیفهٔ خود بردارند و... پس‌ازآن دیگرچرخهای جامعه همه از حرکت باز خواهدماند. هر قدر جامعه بسوی‌ترقی پیش برود، نقش این توده عظیم روشنفکر در اداره امور مختلف‌جامعه بیشترخواهد شد. این یك طرف مسئله است که باید به اهمیت نقش روشنفکران‌واقف بود.

طرف دیگر مسئله آنست که بخش اعظم همین توده روشنفکر، که در میان دو گروه اول و دوم جای دارد، نیز نظام جا و اندیشه‌های انقلابی آنرا بسادگی نمی‌پذیرد. انقلاب در ظرف چند ساعت نظام شاهنشاهی را به‌نظام جمهوری‌اسلامی تبدیل کرد، اما نه در ظرف چند ساعت بلکه در ظرف چندین سال‌نیز نمیتوان اندیشه‌های انقلابی را در مغز این روشنفکران جای‌داد. تغییر معتقدات، جهان‌بینی و دانائیهای‌چنین روشنفکرانی بسادگی ممکن نیست. کوشش برای ایجاد این تغییر از

بقیه در صفحه ۸

ملاقات اشرف و بختیار در پاریس
پلیس فرانسه فعالیت ضد انقلابیون فراری ایران را زیر حمایت خود گرفته است
دولت ایران برای مقابله باروش دولت فرانسه چه اقدامی کرده است؟

اینکه فرانسه یکی از کانون‌های تجمع ضد انقلابیون فراری ایران است، برهمه روشن است. آخرین خبری که دراین زمینه بدست رسیده‌ایم، درمورد ملاقات اشرف‌بابختیار در تاریخ ۲۵ مرداد ۵۹ در پاریس است. این ملاقات در محل اقامت بختیار و زیر حمایت پلیس فرانسه انجام گرفته است. واینهم تازگی ندارد. دولت و پلیس فرانسه میدانند که فعالیت ضدانقلابیون‌فراری ایران را آشکار وپنهان زیر حمایت خود گرفته‌اند.

آنچه روشن نیست و لذا موردپرسش است، اینست که: دولت وزارت امورخارجه ایران دربرابر روش دولت و پلیس فرانسه‌درحمایت ضد انقلابیون فراری ایران چه‌اقدامی کرده‌اند؟

نامه‌سرگشاده ـ هیئت مؤسس انجمن سندیکاها و نمایندگان کارگران استان کرمان ـ به وزارت محترم کار و امور اجتماعی جمهوری اسلامی ایران

صفحهٔ ۷

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا ، دشمن اصلی مردم ایران ، متحد شویم !

www.iran-archive.com

صبر و تحمل آگاهانه انقلابی را به کارگران چاپ تبریک می گوئیم

همچنانکه در شماره دیروز نامه «مردم» نسبت به آگاهی کارگران صنعت چاپ در تلفیق صحیح مبارزات صنفی خود با ضرورتهای انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی ابراز اعتماد کردیم، بامسرت‌خاطر نشان می‌سازیم که کارگران آگاه موفق شدند مشکلی را که می‌توانست مورد سوء استفاده ضدانقلاب قرار گیرد با خونسردی و بدرستی حل کنند. کارگران صنعت چاپ باتوجه به جو موجود و اینکه ضدانقلاب درکمین بهره‌برداری از طرح تقاضاهای قانونی و بحق آنان نشسته و همچنین درنظر گرفتن این امر که وزارت کشور جمهوری اسلامی راه‌پیمائی آنان را جایز ندانسته بود از برپائی راه‌پیمائی خودداری کردند.

توضیحاتی که اعضاء هیئت مدیره سندیکای کارگران چاپخانه‌های تهران و حومه، که یك سندیکای قدیمی است و متجاوز از ۱۵ سال سابقه فعالیت دارد، به‌اجتماع کنندگان برای برپائی تظاهرات و راه‌پیمائی دادند توضیحاتی بسیار مستدل و قانع کننده بود. پایه این توضیحات را این اصل مسلم قرار می‌داد، که کارگران مهمترین و نیرومندترین قدرت مدافع انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی هستند و کاملا آگاهی دارند، که انتخاب شیوه مبارزات صنفی آنان امریست، که باید در ارتباط با موقع زمانی و مکانی و تناسب نیرو بین انقلاب و ضدانقلاب صورت گیرد. زمانی که ضدانقلاب در کمین نشسته تا تظاهرات کارگران را بهانه ایجاد هرج‌ومرج و آشوب ضدانقلابی قرار دهد، مسلما کارگران ولو در سخت‌ترین شرایط قبول صبر و تحمل انقلابی را بر دست‌زدن به اقدامات‌حادی که‌می‌تواند مورد استفاده دشمن‌قرارگیرد ترجیح‌میدهند.

گذشته از استدلال منطقی اعضاء هیئت‌مدیره، که بدرستی متذکر شدند در شرایط کنونی برای تامین خواستهای صنفی کارگران باید شیوه مذاکره و توجه دادن مقامهای مسئول جمهوری به وضع سخت و طاقت‌فرسای خود را در پیش گیرند، جو قبول این نظریات از طرف کارگران صنعت چاپ قابل تحسین و توجه است. این جو که دیروز عصر در اجتماع کارگران حاکم بود، نشانه سطح بالای آگاهی درمیان آنان است. باوجود چنین آگاهی درمیان کارگران میتوان از ایفای نقش واقعی طبقه کارگر ایران در جریان انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی با اطمینان سخن گفت.

ضمن ابراز مسرت از آگاهی قاطبه کارگران صنعت چاپ که با خودداری از انجام راهپیمائی و اکتفا به تجمع خود در خانه کارگر و قرائت قطع‌نامه تنظیمی در همان‌جا (متن قطعنامه عینا نقل میشود) ازوقوع توطئه مهمی جلوگیری کردند، بجاست شکست تعدادی قلیل توطئه‌گران «رنجبری» را متذکر شویم. اینان که با علم و کنل آماده بقصد تحریك به‌محل تجمع کارگران آمده بودند، براثر تصمیم صحیح و منطقی کارگران با دست خالی بازگشتند.

در خاتمه بجاست یادآور شویم، همانگونه که کارگران آگاه صنعت چاپ با ابراز صبر و تحمل انقلابی مقامات جمهوری اسلامی را در حفظ آرامش در روزهای بسیار بحرانی، که ضدانقلاب از خارج و داخل مشغول توطئه است یاری دادند، آنان نیز بنوبه خود نباید از حل مشکلات کارگران و قبول تقاضاهای بحق آنان خودداری نمایند.

خواستهائی که کارگران صنعت چاپ در قطعنامه خود طرح کرده‌اند عملا خواستهائی است که از جانب همه کارگران طرح شده. پذیرش و اجرای این خواستها از جانب دولت جمهوری اسلامی و وزارت کار برای همه کارگران است.

ما امیدواریم، همانطور که در قطعنامه کارگران خواسته شده پذیرش تقاضاهای آنان به اسرع وقت صورت گیرد تا بدینوسیله هم موجبی برای تجمع مجدد کارگران پس از دو هفته دیگر در بین نباشد و هم دیگر سازمانهای کارگری توجه یابند که در شرایط حاضر می‌توانند با تکیه بر شیوه‌های مسالمت‌جویانه و مذاکره خواستهای‌قانونی و بحق خود را تحقق بخشند.

کارگران فرصت خوبی در اختیار مقامات جمهوری اسلامی گذاشته و به تمام‌معنی حسن‌نیت خود را ابراز داشته‌اند. اینك نوبت مقامات مسئول جمهوری اسلامی است که با همین حسن‌نیت به استقبال خواست‌های کارگران بروند.

سندیکای کارگران چاپخانه‌های تهران و حومه
بنام خدا ـ قطعنامه راهپیمائی کارگران صنعت چاپ

با قیام شکوهمند ملت غیور ایران و برانداختن سلطهٔ رژیم وابسته به امپریالیزم شاه خائن و ایجاد جمهوری اسلامی به رهبری امام خمینی، ما کارگران انتظار بیشتری از ارگانهای مملکتی داشته و خواهان این‌بوده و هستیم، که هیچیك از ارگانها یا افراد تصمیم خودسرانه‌ای برای ما اتخاذ ننمایند و امور ما کارگران را بخودمان واگذارند، و هرگونه تصمیم‌گیری بدون مشارکت نمایندگان منتخب کارگران را از پیش محکوم میکنیم، چونکه تصمیمات یکطرفه، غلط بوده و مانند همین قانون لغو مودویژه که بنفع سرمایه‌داران بوده و موجب افزایش نارضایتی در جامعه گشته و نهایتاً بسود امپریالیسم تمام میشود.

لذاما کارگران خواستاریم که:

۱ـ ما خواهان لغو قانون جدید سود ویژه که به نفع سرمایه‌داران استثمارگر می‌باشد، و پرداخت آن بر مبنای‌آخرین دستمزد (پیمانهای دسته‌جمعی) تا تصمیم مجددی که با شرکت نمایندگان منتخب همه کارگران ایران اتخاذ شود، می‌باشیم.

۲ـ ما کارگران خواهان تدوین قانون کار بدست‌نمایندگان منتخب کارگران ایران می‌باشیم.

۳ـ ما کارگران خواهان بازگشت کارگران بیکار بسر کار خود و جلوگیری از اخراج بی‌رویه کارگران می‌باشیم.

در پایان اعلام میداریم که وزارت کار طی پانزده روز آینده از ۵۹٫۶٫۳ لغایت ۵۹٫۶٫۱۸ اگر به خواسته‌های بر حق و مسلم ما کارگران پاسخ مثبت ندهد، ما کارگران از روز ۵۹٫۶٫۱۹ با تجمع خود در وزارت کار خواهان جواب قطعی خواهیم بود.

رونوشت: دفتر امام ـ ریاست جمهوری ـ نخست‌وزیر ـ مجلس شورای اسلامی ـ وزارت کشور ـ وزارت کار و مطبوعات

معلم مبارز و متعهد نظرآباد هشتگرد را آزاد کنید!

* زندانهای انقلاب محل نگاهداری توطئه‌گران و جاسوسان امپریالیسم آمریکاست نه جای انقلابیون

چندی‌است که آقای محمدقلی‌پناهی وحدت، یکی از دبیران‌انقلابی و متعهد نظرآباد هشتگرد، به اتهامات واهی و بنابه تحریکات افرادی مشکوك‌توسط سپاه پاسداران‌کرج بازداشت‌شده‌است. وی جزو معلمان مبارزی است که درزمان رژیم شاه سابق همواره در مبارزه با ظلم وفساد آن‌بود و حتی چندبار نیز به‌این‌خاطر به زندان افتاد.

دستگیری این دبیر زحمتکش با تحریکات مستقیم و غیرمستقیم افرادی‌به‌نام‌های بکتاش و غلامی صورت گرفته‌است. بکتاش فردی است که در زمان رژیم شاه سابق بعنوان عضو انجمن شهرستان و مسئول برگزاری «جشن پنجاه ساله سلطنت» با آن‌رژیم همکاری می‌کرده‌است و پس‌از انقلاب نیز تمام کوشش خود را برای کوبیدن نیروهای مترقی و انقلابی و ایجاد تفرقه در بین‌گروهها قرارداده است. او با انتشار نشریه‌ای بنام «روشنگر»، که‌برعکس نامش نه‌تنها به‌تبلیغ افکار انقلابی دربین مردم نمیپردازد، بلکه با فحاشی به‌نیروهای انقلابی و دوستان انقلاب، در درون کشور و در سطح جهان رادر پیش‌گرفته است، مسموم کردن اذهان مردم و ایجاد انحراف درشناخت دوستان و دشمنان‌انقلاب را وظیفه خود قرار داده است.

براثر انتشار اسنادی که‌نشاندهندهٔ فعالیت بکتاش درانجمن شهرو حزب رستاخیز بوده‌است، دانش‌آموزان مدارس شهر متوجه ماهیت این فرد شده‌اند و درچند مورد حتی از سخنرانیهای وی جلوگیری کرده‌اند. این فرد بانفوذی که در اداره آموزش و پرورش هشتگرد و نیز دربعضی از کمیته‌ها و سپاه پاسداران کرج دارد، حتی سعی زیادی کرد تا محمد قلی وحدت را از وزارت‌آموزش و پرورش تصفیه کند.

گروهکهای چپ‌نما مانند همه‌جا دراین شهر نیز در ایجاد جونشنج و نفاق درمیان نیروهای مختلف مشغول بوده و هستند و این‌مسئله باعث شده است که افرادی مانند بکتاش بهانه‌های لازم را برای تصفیه افراد انقلابی بدست آورند و آنها را به اتهام «وابستگی» به این گروهکها مورد حمله و افترا قرار دهند. از جمله بدنبال اعدام تقی شهرام، این گروهکها دست به تظاهرات و ایجاد هرج و مرج در شهر میزنند و این عمل آنان که منجر به درگیری شدیدی می‌شود، بهانه لازم‌را برای تبلیغات علیه نیروها و افراد انقلابی بدست افراد معلوم‌الحال می‌دهد.

در جریان این درگیری‌ها، فردی بنام غلامی، که از نزدیکان‌بکتاش است با استفاده از اوضاع متشنج، مردم را تحریك می‌کند و کاغذ سفیدی را برای امضاء در جهت تصفیه و محاکمه افرادی مانندوحدت‌به آنان عرضه میدارد. وی سپس روی این کاغذ سفید متنی رابه دلخواه خود مبنی بر شرکت وحدت (که در آنزمان اصلا در نظرآباد نبود) بعنوان عامل اصلی درگیری، تنظیم و تقاضای بازداشت وی‌را می‌کند واین نامه را به سپاه پاسداران کرج می‌فرستد. بدنبال بازداشت وی توسط سپاه پاسداران کرج، همسر آقای وحدت شکایتنامه‌ای از بکتاش و دارودسته‌اش به کمیته عظیمیه ارائه می‌دهد و این‌نامه را توطئه‌ای‌علیه همسرش معرفی می‌کند. مسئولین کمیته پس از بررسی این مدارك حتی دستور بازداشت بکتاش را میدهند، ولی بعلت نفوذی‌که بکتاش در این ارگانها دارد، بازداشت وی انجام نمیگیرد.

بدنبال بازداشت آقای وحدت، رئیس آموزش و پرورش هشتگرد در طی سخنرانی در مسجدی در شهر، به بازداشت وی اعتراض کرده است. بعد از این سخنرانی عده‌ای از کسانی که کاغذ سفید را امضاء کرده بودند، از عمل خود پشیمان شدند و اعلام کردند که وحدت درآن درگیری هیچگونه نقشی نداشته است.

با اینکه اکنون ۲۸ روز از بازداشت این معلم مبارز و متعهد می‌گذرد و برطبق‌مدارك و اسناد موجود بیگناهی وی کاملا روشن ومسلم است. ولی‌وی‌هنوز در زندان‌به‌سر می‌برد، ودرعوض کسانی که می‌بایست در زندان‌باشند، آزادهستندوبه‌تبلیغات‌انحرافی وضدانقلابی‌خودادامه میدهند.

ما از مقامات مسئول، بخصوص مسئولین سپاه پاسداران کرج میخواهیم که این معلم مبارز را هرچه‌زودتر آزاد کنند و زندانهای جمهوری اسلامی ایران را به نگاهداری توطئه‌گران و ایادی‌سرسپرده امپریالیسم آمریکا، اختصاص دهند، نه محل نگاهداری مومنین ومتعهدین به انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی ایران.

نامه‌سرگشاده ـ هیئت مؤسس انجمن سندیکاها ونمایندگان کارگران استان کرمان به ـ وزارت محترم کار وامور اجتماعی جمهوری اسلامی ایران

احتراما باستحضار میرساند، سخنان وزیر محترم کار در مورد سندیکاها در برنامه تلویزیونی جمعه شب مورخ ۵۹٫۵٫۳ مایه بسی تعجب و تاسف ما کارگران گردیده استدعا دارد درموارد ذیل نظریات رسمی خود را اعلام فرمائید:

۱ـ یقینا وزارت محترم کار و امور اجتماعی در مقام یك دستگاه اجرائی متعهد و مسئول به‌حرمت و اعتبار قانون اساسی‌جمهوری اسلامی ایران، که خونبهای صدها هزار شهید و مصدوم و حاصل چندین دهسال مجاهدت و فداکاری بیدریغ ملت ماست، واقف و ناظر است.

و قطعا باین‌اصل‌مسلم عنایت دارند که‌سایر قوانین و ازجمله قانون کار هرگز نمیتواند بدون توجه باصول قانون اساسی و خارج از حدود و ثغور آن تدوین شود یا نافی و ناقض اصول قانون اساسی باشد.

و مطمئنا استحضار دارند که اصل بیست و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تشکیل انجمنهای صنفی (و طبعا اصیل‌ترین و پرسابقه‌ترین آن «سندیکاها») را حق مسلم و بی‌چون و چرای کارگران میداند و آنرا جزئی از حقوق مردم شمرده است.

و بازهم میدانیم که‌هیچ مقامی جز مجالس مقننه اهلیت و صلاحیت آنرا ندارد که قوانین را تفسیر، توجیه، و یا تصحیح نماید.

باتوجه بمراتب فوق و با عطف به اصل هفتاد و سوم قانون‌اساسی، که میگوید «شرح و تفسیر قوانین عادی در صلاحیت مجلس شورای اسلامی است»، این سخنان وزیر محترم کار را که‌گفته‌اند: «من گمان میکنم با وجود این شوراها دیگر احتیاجی بوجود سندیکا نباشد» را چگونه توجیه میکنید؟

آیا این نظریات شخصی و سلیقه‌های فردی یا جمعی میتواند جایگزین نص صریح قانون و آنهم اصول قانون اساسی گردد؟

آیا وزارت‌کار درمقام یك‌ارگان اجرائی مجازاست بنابه سلیقه و عقیده خویش قانون اساسی را تفسیر، توجیه و یا تصحیح نماید؟

اصل بیست و ششم قانون اساسی تشکیل انجمنهای صنفی را حق مسلم کارگران شناخته، هرگونه اقدامیکه درجهت تحدید یا تضییع‌این حق مسلم کارگران بعمل آید، مورد اعتراض شدید ما است.

۲ـ همچنانکه استحضار دارید در دیماه سال گذشته اداره کل کار کرمان کتبا و رسما از کلیه سندیکاها و نمایندگان کارگران‌دعوت بعمل‌آورده بود، تا نسبت به تدوین قانون جدید کار اظهارنظر کنند، باین مناسبت در جلسه مورخ ۵۸٫۱۰٫۲۸ در ادارهٔ کل کار کرمان، باشرکت ۱٤ سندیکا و نمایندگان ۱۱ واحد کارگری و با حضور نماینده‌اعزامی وزارت کار جمهوری اسلامی ایران و مدیرکل اداره کار کرمان، قطعنامه‌ای در ۲۹ صفحه و ۲۰ مورد باتفاق آراء بتصویب رسید، که عین آن در همان تاریخ ازطریق اداره کار و هم بوسیله خود ما بوزارت‌کار تسلیم شد (رونوشت ضمیمه است).

در سرآغاز این قطعنامه «تقویت و تحکیم وتوسعه حقوق‌سندیکاها» مورد تقاضا بوده و اولین ماده قطعنامه را شامل است. دفتر مطالعات و طرح برنامه وزارت کار در پاسخ باین قطعنامه طی نامه شماره ۹۵۸۵/ب مورخ ۵۸٫۱۰٫٤ نوشته‌اند:

«سندیکاها و نمایندگان کارگران استان کرمان!

ضمن وصول قطعنامه مورخ ۵۸٫۱۰٫۲۸ کارگران استان کرمان، که متضمن اظهارنظر درمورد قانون کار فعلی و پیشنهادات کارگران کرمان بوده‌است، باطلاع میرساند:

نظرات جالب و پیشنهادات ارزنده‌شما در اختیار کمیته‌های تدوین طرح قانون کار گذاشته شده و مسلما به‌آن توجه دقیق خواهد شد ودر تدوین طرح قانون حقوق حقه کارگران درنظر گرفته خواهد شد... این کمیته ازهمکاری و همفکری برادران کارگر استان کرمان بگرمی استقبال میکند... از مساعدت و همکاری سندیکاها و نمایندگان کارگران استان کرمان تشکر مینماید.

دفتر مطالعات طرح برنامه وزارت کار»

آیا اظهارات جناب آقای نعمت‌زاده، بعنوان وزیر کار درتلویزیون، با این پاسخ رسمی و کتبی وزارت کار، که در بالا به‌آن اشاره شده، مغایرت فاحش ندارد؟

لطفا بما بگوئید، کدام‌یك از این دو اظهار کاملا مغایر و متضاد نظر رسمی وزارت کار است؟

۳ـ اصل بیست و ششم از فصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران میگوید:

«احزاب، جمعیتها، انجمنهای سیاسی، صنفی و انجمنهای اسلامی یا اقلیتهای دینی شناخته شده آزادند، مشروط باینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی و موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچکس را نمیتوان از شرکت درآنها منع کرد یابه شرکت در آنها مجبور ساخت.»

با توجه به قسمت اخیر این اصل، آیا اظهارات آقای وزیر، بعنوان یك مقام مسئول، نوعی ممانعت از شرکت کارگران در «انجمنهای صنفی‌شان» و ترغیب‌آنها به‌شرکت در شوراهای موردنظر تلقی نمی‌شود؟

با وجود اینکه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران درکمال‌وضوح در اصل ۲٦ خود براین حق مسلم کارگران تاکید میکند‌که، انجمنهای صنفی خود را تشکیل دهند و در درون این سازمانهای صرفا و مطلقا کارگری از حقوق اقتصادی و سیاسی خود دفاع کنند، و شوراها طبق اصل صد و چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نهادهائی‌هستند به‌منظور تامین قسط اسلامی و همکاری در تهیه برنامه‌ها و ایجادهماهنگی در پیشرفت امور واحدهای تولیدی صنعتی و کشاورزی.

پر واضح‌است که انجمنهای صنفی و شوراها دو نهاد مجزا ازهم هستند و بدیهی است که نمیتوان هیچیك از آنها را به‌جای دیگری‌نهاد.

زیرا طبق اصول قانون اساسی هریك از آنها دارای ترکیب، حقوق و وظایف خاص خود هستند. پس تداخل وظائف این دو نهاد و مخدوش نمودن مرز آنها، تضییع حق مسلم ما کارگران‌است و ایجاد ابهام در وظائف شوراها و سندیکاها، دو نهادیکه‌تکالیف هریك از آنها را در اصل جداگانه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با وضوح‌تمام معلوم و معین نموده‌است و دستگاه اجرائی ذیربط فقط مکلف‌به‌اجرای صحیح و دقیق آن است.

بهرحال ما برآنیم تا از تمام حق مسلم و مشروعیکه قانون اساسی جمهوری اسلامی بما داده است استفاده نمائیم و هیچگونه تضییع‌وتحریفی را دراین رابطه نمیپذیریم.

هیئت موسس انجمن سندیکاها و نمایندگان کارگران‌استان کرمان

سندیکای مجتمع مس سرچشمه
سندیکای معادن اسفندقه و آبدشت
سندیکای شرکت ملی نفت ناحیه کرمان
سندیکای سازمان آب کرمان
سندیکای کارگران کوی ذوب‌آهن کرمان
سندیکای کارگران کارخانه قند بردسیر
سندیکای کارگران پپسی‌کولای کرمان
سندیکای شرکت‌واحد اتوبوسرانی کرمان
سندیکای آب و برق منطقه‌ای کرمان
نمایندهٔ کارگران برق‌منطقه‌ای رفسنجان
نمایندهٔ کارگران شهرداری رفسنجان
نمایندهٔ کارگران آجرماشینی »
نمایندهٔ کارگران کارخانهٔ خانه‌سازی کرمان
نمایندهٔ کارگران شهرداری بردسیر
نمایندهٔ کارگران برق‌منطقه‌ای سیرجان
نمایندهٔ کارگران شهرداری سیرجان
نمایندهٔ کارگران صنایع فولاد
نمایندهٔ کارگران کرمان درمان
نمایندهٔ کارگران آبیاری جیرفت
نماینده کارگران شهرداری جیرفت
نماینده کارگران شرکت مخابرات رفسنجان
نمایندهٔ کارگران شرکت خوراك کرمان

www.iran-archive.com

ضدانقلاب درعمل

هرکه نامخت از گذشت روزگار
هیچ ناموزد زهیچ آموزگار
رودکی

یک کارنامه سیاه وسراپا تبهکاری

همیشه بازگشتن و به حوادث طی شده نگریستن، عبرت آموز است. رویدادها زود فراموش می‌شوند. پیوند درونی‌آنها به آسانی درذهن شخص کشف نمی‌گردد. ولی هنگامی‌که، برپایهٔ اسناد و مدارک، وقایع رخداده را یک بار دیگر ازنظرمی‌گذرانید، چیزهائی برملا می‌شود که درحال عادی روشن نیست.

ما اینروزها که ضدانقلاب درتدارک نقشه‌های براندازی تازه‌ایست، کارنامه او را طی سالهای۵۸ ونیمهٔ اول ۵۹ ورق زدیم. از این بررسی مجدد دونتیجه گرفتیم:

اول — ضدانقلاب درهیچ عرصه‌ای، اعم از سیاست و اقتصاد و زندگی روزمره نیست که، گاه با سیمای دوست و گاه با سیمای دشمن، منتهای کوشش خود رابرای مسخ کردن، خوردکردن، بدنام کردن و دچارمخمصه کردن انقلاب انجام نداده باشد، با این هدف کلی که، انقلاب را دفن کند و رهبری آنرا نابود سازد و دوستان وفادار انقلاب را قتل عام نماید و سیطرهٔ دوزخی غارتگرانهٔ خود را باردیگر برمیهن ما استوار سازد.

دوم — ضدانقلاب تاکنون درتمام انواع اقدامات خود به توفیق چشم‌گیری نرسیده است و دراثر واکنش مردم و نهادهای انقلابی و تصمیمات درست رژیم انقلابی و درایت و قاطعیت رهبر انقلاب، *امام*خمینی، اقدامات‌ضدانقلاب خنثی مانده است. البته این بدان معنی نیست که ضد-انقلاب نتوانسته است سیرکامیابانهٔ انقلاب را کند کند ودراذهان ساده‌لوح وروحیات مستعدتحریک، ناخرسندیهائی بوجود آورد.

مسلم است که درآینده ضدانقلاب با همان حرارت گذشته تلاش خود را ادامه خواهد داد. *کارتر* به ژیسکاردستن گفته است که *امریکا* قصد *ندارد از ایران* دست *بردارد*. ضدانقلاب هنوز در کشورما دارای *"نیروهای ذخیره"* گوناگونی است، که از آنها استفاده خواهد کرد. ولی گذشته نشان داد که کار ضدانقلاب آسان نیست و درجهان و ایران عوامل فراوانی هستندکه می‌توانند به تثبیت انقلابی درکشور ما یاری رسانند و ضدانقلاب را با شکست روبرو سازند.

باتوجه به حوادث دوران پس از انقلاب، ببینیم دشمن امپریالیستی و متحدان ارتجاعی و ضدانقلابی ایرانی آن، دست به چه کارهائی زده و ثمرهٔ تقلای ابلیسانه و جهنمی آن چه بوده است:

۱) ایالات متحدهٔ آمریکا، دشمن اصلی و واقعی انقلاب ما، ازهمان آغاز با تمام نیرو برای محو این انقلاب‌وارد میدان دسیسه و عمل شده است. "کمیسیون ایران" در کاخ سفید تحت نظر شخص *کارتر* و معاون امنیتش برژینسکی تشکیل شد و نقشه‌های دراز مدت و کوتاه مدت ضدانقلابی دراین کمیسیون به تصویب رسیده و می‌رسد.

امریکا بخش برنامه رادیوئی خود راعلیه ایران طولانی کرد و با ایجاد هسته ضدانقلابی ایرانی مرکب از بختیار— اویسی — آریانا و پالیزبان (در ارتباط با خانوادهٔ پهلوی، بویژه اشرف) و قراردادن تسهیلات عدیدهٔ رادیوئی و مطبوعاتی دراختیار آنها، کوشید تا یک ستاد دائمی ضدانقلابی بوجود آورد.

امریکا "محاصرهٔ اقتصادی ایران" را اعلام داشت و به متحدین‌امپریالیستی خود فشار آورد که به این محاصره بپیوندند و آنها نیز در "کنفرانس جامعهٔ اروپائی" پیوستن خود را به این سیاست ددمنشانه اعلام داشتند. با آنکه امریکا به روال سالوسی و عوام فریبی همیشگی خود گفت که گویا محاصرهٔ اقتصادی او خواربار و دوا را دربرنمی‌گیرد، ولی درست همین نیازمندی-هاست که مورد ضربه اصلی است. امریکا کوشید اصل محاصرهٔ اقتصادی را به تصویب شورای امنیت برساند که با وتوی *اتحاد*شوروی روبرو گردید.

امریکا ناوگان دریائی عظیمی را که مرکب از ۳۴ کشتی جنگی و چندین هزارتن ساز وبرگ و هزارها تفنگدار دریائی و سه ناوهواپیمابر، یعنی "کانستل لیشن" و "نی‌میتز" و "کورال سی" است، وصدها هواپیما درآنها جای می‌گیرد، در دریای عمان ومجاورت کرانه‌های ایران متمرکز ساخت و سیاست ساتناز نظامی دائمی را درپیش گرفت..

عملیات موسوم به "نورآبی" درطبس، که به شکست رسوا منجرشد، توطئه وسیع پایگاه نوژه درهمدان، که درآن دوشاخهٔ نظامی‌و سیاسی در ارتباط با شاپوربختیار و اویسی فعال بودند، توطئه جدیدی به نام "جهش مثبت ۸۰"، که روزنامه‌نگار امریکائی جاک اندرسن درمطبوعات امریکا افشاء کرده و علی‌رغم تکذیب‌های کاخ سفید (که این تکذیب‌های توخالی تکرد دائمی آنها است) وجود آنرا باید مسلم‌گرفت. ازمظاهر این ساتناز دائمی است.

امریکا ایرانیان و بویژه دانشجویان مبارز ایرانی مقیم امریکا را مورد فشارها، آزارهاقرار داده و تماس‌های مسالمت‌آمیز دانشجویان ایرانی را باوحشیگری خاص خود سرکوب کرده و روابط سیاسی خود را با ایران قطع نموده و متحدین خود انگلستان، فرانسه و ایتالیا را نیز به ایجاد اشکالات درردادن روادیدها و محدود کردن روابط خود با ایران واداشته است.

چنانکه یک مقام نظامی کشورما زمانی اعلام داشت که امریکا درایران دارای تعدادی انبارهای اسلحه و فرودگاههای مخفی است و شبکه‌های ضدانقلابی‌مرکب از نظامیان و ساواکی‌ها و سرمایه-داران وابسته درتهران و شهرستانها تحت نظر عمال اعزام‌شدهٔ ازطرف "سیا" مشغول فعالیتند و ماموریت آنها تخطئه انقلاب ازطریق تظاهرات منفی به نام اسلام و ایجاد تفرقه بین مسلمانان مبارز ازسوئی و نیروهای چپ ازسوی دیگر، ازطریق تظاهرات ضدانقلابی به نام "چپ" است؛ یعنی همان چیزی که *امام* آنرا "چپ امریکائی" نام‌نهاده است.

امریکاتحت عنوان آزاد کردن "گروگانها"، که درواقع برخی از آنهااز زمرهٔ جاسوسان آزموده سیا درایران بوده‌اند، جنجال بین‌المللی پرسرو صدای عجیبی درجهان و مطبوعات سرمایه‌داری علیه انقلاب ایران و رهبر آن *امام* خمینی براه انداخت و با اعزام انواع هیئت‌ها و ارسال اقسام نامه‌های دروغین (مانند نامهٔ‌کارتر و نامهٔ‌کندی) وبا "جنگولک بازیهای" خاص خود سعی داردایران را تحت فشار قرار دهد.

موسسات جاسوسی امپریالیستی بویژه امریکا، انگلستان و اسرائیل شبکه وسیعی‌در پوشش سفارتخانه‌ها، خبرنگاران، شرکتها و بنگاههای مالی و خدماتی وبازرگانی و صنعتی، میسیون‌های مذهبی، آموزشگاههای مختلف و غیره بوجود آورده بودند. اشغال جاسوسخانهٔ آمریکا نشان داد، آنچه که "سفارت" نام داشت، چگونه‌یک کارخانه واقعی و تمام‌عیار خبرچینی و جاسوسی و توطئه بود. این موسسات درهمکاری با "ساواک" و "کوک" و انواع موسسات بظاهر ایرانی استطاله‌های اختاپوسی خود را تا اعماق خانواده‌ها، درروستاها و عشایر رخنه داده بودند و واقعا می‌توانستند مدعی شوند که:

گربرسرخاشاک یکی پشه بجنبد
جنبیدن آن پشه عیان درنظرماست

رژیم پهلوی دست "سیا" را بحداعلی، باز گذاشته بود و شخص محمدرضاپهلوی درتماس با هلمس (ابرجاسوس آمریکائی و رئیس اسبق سیا و سفیراسبق امریکا در ایران) و بنا بدستورهای او کار می‌کرد.

اینک ایران از هربابت یک نمونهٔ کامل و باصطلاح فلاسفه"مثل علیا" برای تدابیر شیطانی امپریالیستی شده بود، محل تردید نیست و هنوز همهٔ واقعیت‌ها دربارهٔ رژیم مخوفی‌که دراین کشور حکمروائی می‌کرد، گفته نشده است. تبلیغات انقلاب نارسا و الکن است و معلوم نیست بچه مناسبت اینهمه حقایق برده در را به زبان ضد-انقلاب و یا بسود انقلاب نمی‌گویند (ویانمی-خواهند بگویند).

۲) ضدانقلاب پس ازسرنگون شدن رژیم استبدادسلطنتی کوشید بدست بخشی ازسیاست-مداران لیبرال که تاحدی در روندانقلاب خود را شرکت داده بودند. وبا براه انداختن دهها مجله و روزنامه تحت عنوان مخالفت با سانسور و دفاع از آزادی، جو مناسب خود را ایجاد کنند. انقلاب با هشیاری تمام درمقابل این شگردضدانقلاب واکنش نشان داد و مهمترین رجال یا مطبوعات را، که نقش آشکارا مضری ایفا می‌کردند، بی‌اثر ساخت و اجازه نداد که متحدان سرمایه‌داری جهانی و ارتجاع‌ایران، ابتکار را باردیگربدست گیرند. ما نمی‌خواهیم هرکسی را که درجریانهای ملی‌گرا شرکت جسته، فاقد حسن نیت نسبت به انقلاب بشمریم، ولی قدرمسلم آنست که ازمیان همین اشخاص، کسانی مانند امیرانتظام، مقدم مراغه‌ای، دریاداراعلوی، متین دفتری، خسرو قشقائی، ابوالفضل‌قاسمی، نزیه و بسیاری دیگر بیرون آمده‌اند که گاه درهمکاری باجمعیت "خلق مسلمان" فعالیت می‌کرده‌اند. نقشی که این عناصر لیبرال درجریان انقلاب‌و پس ازآن در دوران دولت موقت وهم اکنون بازی کرده‌اند و می‌کنند و خواهندکرد، نقش منفی و گاه دوروپانه و مزورانه‌ای است. این نقشی است بسود خانها و فئودالها، بسود برخی روحانیون قشری و محافظه‌کار، بسود سرمایه‌داران بزرگ وابسته و درنتیجه و بشکل فهری (و گاه بشکل مستقیم) بسود امپریالیسم. حسن نیت و یا صفات پسندیده دراین یا آن عرصه و یا داشتن اعتقادات مذهبی ابدا و اصلا تاثیری درغیبت نقش این نقش تاریخی‌ندارد. دفاع دائمی آقای مهندس مهدی بازرگان از مواضع خود ودیگر لیبرالهای افشاء شده حاکی از آنست که وی انقلاب رادرحد یک تغییر رژیم و تداوم سیاست اقتصادی و خارجی رژیمهای قاجار و پهلوی که تنها باید در چارچوب برخی "رفورم‌ها" بماند، می‌فهمد و ابدا متوجه نیست که درایران چه گذشته و چه‌میگذرد. متوجه نیست و نمی‌خواهد هم‌متوجه باشد.

۳) یکی دیگر از اقدامات ضدانقلاب رخنه درنهادهای انقلابی مانند دادگاههای انقلابی، کمیته‌ها، سپاه پاسداران، جهاد سازندگی و بنیاد مستضعفین و مطبوعات وابسته به آن برای ایجاد هرج و مرج قضائی، اعمال فشار به سازمانها و افراد وفادار به انقلاب، سلب اعتماد مردم از این نهادها بوده وهست. علی‌رغم اخطار مکرر امام و سخنگویان دیگر رژیم انقلابی علیه چماقداران و نقض کنندگان امنیت، و علیرغم پاکسازی مکرر این نهادها، متاسفانه عناصر ضد-انقلابی و بویژه ساواکی هنوز از این مجراها دسایس شوم خود را به معرض عمل می‌گذارند، مراکز ودفاتر گروههای سیاسی و کتابخانه‌ها را می‌سوزانند و تاراج می‌کنند و تحت عنوان "اسلام" یا به بهانه اجراء امربه معروف، افراد بیگناه را مضروب و مجروح می‌سازند و بذرنارضائی و تفرقه می‌پاشند.

آلودن نهادهای انقلابی ودولتی به زهر آنتی کمونیسم و شوروی ستیزی احمقانه و کور، که بشکل منظم و با عوام فریبیهای فراوان از طرف افراد معینی‌درجامهٔ اسلامیت و انقلابیت دنبال می‌شود، مضرات زیادی ببارآورده و از آنجمله تاکنون موجب دوبار اشغال ممتد سازمانهای حزب ما درسراسر ایران و تخریب و لهب و غارت آن شده است. متاسفانه از این لحاظ باید بسود ساواک و ضدانقلاب چندین "امتیاز" ثبت کرد. امید است دولت انقلابی بتواند درمقابل این هرج و مرج و روش چماقداری ایستادگی موثرکند و از این همه درسهای روشن تاریخ عبرت آموزد.

بهانه کردن مسائل مذهبی و عنوان کردن امربه معروف و مسئله حجاب اسلامی برای تجاوز به امنیت و حرمت بانوان ما یکی دیگر از اقدامات ضدانقلاب بدست مسلمان‌نما هاست، که دربرخی موارد حتی به چاقوزدن برخی بانوان بی‌حجاب (درارومیه) و یاعدم فروش جنس به آنان (دربوشهر) منجر شده است. این‌اقدامات علیرغم دستورصریح دفتر *امام* و تذاکرات مکرر شخص *امام* صورت گرفته است که باید قویا جلوی آن سد شود. هدف این گونه اقدامات همراه حد زدنها و رجم کردنها، تنها و تنها تاریک‌ساختن اسلام علوی و جانشین کردن آن با اسلام ضیاء-الحقی‌است. هرگز شیعیان پیروعلی اسلوبهای حجاج بن یوسف ثقفی و شمربن ذی الجوشن را اسلوب کار خود قرار نمی‌دهند و آدمکشی‌های حیوانی مانند سلطان محمد مظفر (که از سرنماز برمیخاست و بعنوان اجراء حد و تعزیر شخصا سرمی‌برید) اسلوب‌اسلام واقعی نیست. اسلام محمد و علی شریعت سمحه و سهله ست و بویژه نسبت به کسانی که باوی از راه دوستی عمل می‌کنند، جز از راه دوستی عمل نمی‌کنند.

۴) یکی از کارهای ضدانقلاب‌به قصد خرابکاری، افشاندن بذر رعب و هرج و مرج و لطمه‌زدن به اقتصادما، ایجاد انفجار در پالایشگاه‌های آبادان و کرمانشاه و اصفهان، منفجر کردن هزارها مترلوله‌های نفت درخوزستان در موارد عدیده، افکندن بمب و خمپاره درشهرهای تهران، دزفول، اهواز، خرمشهر، آبادان، نقده، ماکو، کرمان، کچساران و نقاط دیگر بوده است. دهها مورد از این بمب‌گذاریها، پیش از وقوع فاجعهٔ کشف و بمبها و مواد انفجاری دیگرخنثی شده است، ولی متاسفانه درپیش از بیست مورد انفجار روی داده و منجربه تلفات سنگین جانی ومالی و زخمی‌شدن صدهاتن از هموطنان ما گردیده است نمونه فجیع تازهٔ آن درگچساران است. تنها درتهران، درمیدان‌امام‌خمینی، سینما نادر، شمس العماره، بیمارستان طالقانی، پاساژ کمانی و نقاط پرجمعیت دیگربمب‌گذاری شده ودر یک مورد سازمان مجعولی به نام "جبههٔ رهائی-بخش فدرال ایران" خود را مسئول معرفی کرده است. درخوزستان دوبار بمب‌گذاری درقطارانجام گرفت، که موجب تلفات سنگین مسافران بیگناه قطار شد. به عمل بمب‌گذاری باید اقدامات مین-گذاریها را نیز بویژه درحادثه‌های کردستان افزود. که به نابودی کامیونهای متعدد سربازان وپاسداران و اتوبوسها انجامید و تلفات‌جانی و مالی فراوانی ببار آورد.

ضدانقلاب به کمک بمب‌گذاریهای متعدد در نقاط مختلف خوزستان توانست لطمات سنگینی به تولید نفتی ما وارد سازد. این امر همراه با فقدان وسایل یدکی و خودداری از خرید محصولات نفتی ما از طرف مشتریان امپریالیستی، منبع اساسی ارزی ایران را زیرضربه قرارداده و روشن است که هدف آن ازمیان بردن قدرت پرداخت ارزی کشورما و فلج کردن اقتصاد و اعمال فشار حیاتی به سراپای نفوس ایران است.

۵) یکی دیگر از اعمال وحشیانه ضدانقلاب ترورهای متعددی است که درپوشش سازمانهای مخفی مختلف بویژه گروه "فرقان" بعمل‌آورده است و منجربه قتل سرلشگرقرنی، *آیت‌الله* مطهری، *قاضی طباطبائی*، *حاجی طرخانی*، *حجت الاسلام* مفتح، *عراقی* و زخمی شدن *حجت الاسلام* رفسنجانی شد. عملیات‌تروریستی، علاوه برفرقان، ازطرف گروههای دیگری نیزانجام گرفت و مجموعا پانزده نفر درعملیات گوناگون تروریستی کشته شدند. درموارد عدیده‌ای تروریست‌ها گروههای مختلف پاسدار را، بویژه در شب درنقاط مختلف شهر، به گلوله بسته و جمع کثیری از جوانان ما را شهید ساخته‌اند. شاید بتوان گروههائی ازقبیل"گروه شاهین" درتهران و "باند پلنگ" درنیشابور را که به کشتن و ربودن و غارت کردن پرداخته‌اند، به این عملیات تروریستی اضافه کرد. خوشبختانه ارگانهای انقلابی و دولتی توانستند بسیاری از این گروهها را کشف و بی‌ضرر کنند و هم چنین افراد بمب گذار متعددی به چنگ عدالت افتادند و میتوان گفت که ضدانقلاب از این رهگذرها جز ننگ ابدی حاصلی بدست نیاورده است.

۶) یکی از اقدامات مهم ضدانقلاب ایجاد آشوب و ناامنی درنواحی مرزی دارای خلقها و مذهبهای خاص مانند کردستان، خوزستان، ترکمن صحرا، بلوچستان و نیز آذربایجان بوده است.

درکردستان امپریالیسم، فئودالها، بقایای رژیم پهلوی همراه برخی گروههای چپ‌نما و با پشتیبانی حزب بعث‌عراق، تراژدی سراپاخون‌آلود و فجیعی بوجود آورده‌اند که تا امروز با شدت ادامه دارد و منجر به خون ریزیهای فراوان در شهرهای سنندج، پاوه، نقده، کرمانشاه، سقز و دیگرنقاط کردنشین شده است و به یک جنگ واقعی بامداخله ارتش و پاسداران و پیشمرگان طرفدار انقلاب ازسوئی و افراد مسلح مخالف انقلاب ازسوی دیگر مبدل گردیده است.

این صحیفه سراپا جنایت، که تا امروز نیز با خون سرخ مردم کردستان نوشته می‌شود، سند نیرومندی علیه امپریالیسم جنایتکار و ارتجاع دست‌نشانده آنست.

یکی از هدفهای مهم ضدانقلاب آن بود که بدست حزب "خلق مسلمان" نظیر این وضع رادر آذربایجان نیز بوجود آورد. درواقع نیز باتنظیم چندین توطئه مقدماتی درقم و تبریز و ارومیه (و دیگرشهرهای آذربایجان شرقی و غربی) وضع بسیار حادی درآذربایجان بوجود آوردند (حوادث آذرماه ۱۳۵۸) که تنها شرکت وسیع مردم علیه توطئه و فداکاریهای عناصرانقلابی توانست‌سرانجام بر بحران غلبه کند. این تحریکات بویژه درتبریز و ارومیه کماکان و دائما ادامه دارد. با اینحال ضد-انقلاب نتوانست به قول خود اتحاد" مهاباد-تبریز" را، که آرزویش بود، (و حتی یک بار شتابکارانه تحقق آنرا اعلام داشت) عملی سازد.

مرکز دیگر تحریکات که‌می‌باید ازجهت جغرافیائی دردنبالهٔ آذربایجان و کردستان قرار گیرد، خوزستان‌است. تحریک عشایر عرب، طرح دعاوی جغرافیائی ازطرف دولت بعثی عراق در مورد جزایر تنب و ابوموسی، خرابکاریهای وسیع درموسسات نفتی، ایجاد بلواهای متعدد در شهر-های آبادان، دزفول، خرمشهر، بندرخمینی، اهواز و غیره می‌بایست، موافق نقشه طراحان امپریالیستی، به خارج شدن خوزستان از کنترل رژیم انقلابی منجرشود. البته ضدانقلاب توانست دراین ناحیه ضربات سنگینی برتولید نفت وبه امنیت عمومی وارد سازد، ولی به هدف اساسی خود تاکنون دست نیافته است.

نظیر این تحریکات درگنبدکاووس ازسوئی و زاهدان و بلوچستان ازسوی دیگر بارها تکرار شده است، که آنها نیز تا امروز عقیم مانده، ولی رشته دسیسه تا امروزهم بریده نشده است.

ایجاد حوادث خونین به این نواحی محدود نیست. ضدانقلاب‌هرجای دیگر که توانست، مانند شهرهای انزلی، رشت، بندرلنگه، سلماس، قم و غیره نیز حوادث خونینی را برسبب داده است.

۷) یکی از اقدامات دیگرضدانقلاب ایجاد هرج و مرج و آشوب و درگیری در دانشگاههای کشور است، که بحوادث خونینی دردانشگاه تهران، دانشگاه جندی‌شاپوراهواز و دانشگاه گیلان‌منجرشد. با تمام تاکید *امام* دائر به همکاری روحانی و دانشگاهی، ضدانقلاب کوشید تا بین این دونیرو سوء‌تفاهم بوجود آورد تا بتواند از این آتش دستی گرم کند.

بقیه درصفحهٔ ٦

انقلاب و مسئلهٔ زنان

" دادگاههای خانواده باید درمورد مسئله طلاق دقت بیشتری کنند و معنی عدالت در خانوادها تعمیم داده شود و حقوقی که در اسلام به زن تعلق گرفته، به آنها بازگردانده شود . . .

. . . اکثر خانوادها ازمن خواسته‌اند که در مورد مسئله طلاق دقت بیشتری ازجانب دادگاه‌های مدنی خاص اعمال شود، که آیا طلاقهای اخیر واقعا اسلامی است؟

امروز معمول براینست که مجری، صیغه را در برابر دوشاهد انجام می‌دهند که این دوشاهد زوجین را نمی‌شناسند و این درست نیست. باید معنی عدالت را درخانواده تعمیم بدهیم، حال آنکه عده زیادی ازخواهران مادرحال خردشدن و نابودی هستند. ازبرادران می‌خواهیم در مجالس مردم را متوجه این امر خطیر بنمایند، باید به وضع زن امروز رسیدگی شود و حقوقی را که در اسلام داده شده، به آنها بازگردانند."

"خانم گوهرالشریعه دستغیب، درجلسه ۲۸مرداد ۵۹ مجلس شورای اسلامی"

شکایت از دادگاههای مدنی خاص و احکام طلاق این دادگاهها، که دراکثریت خود به‌زیان زنان-صادرشده، هم نارضائی و هم نگرانی در میان زنان برانگیخته است، که سخنان خانم دستغیب، درمجلس شورای اسلامی برآن اشارت دارد.

روزی که قانون تشکیل دادگاههای مدنی خاص به تصویب شورای انقلاب رسید، ما نوشتیم که این دادگاهها باید براساس‌قوانین عدالت‌گستری که با خصلت انقلاب خلقی ما، همخوان باشد، دربارهٔ مسائل و مشکلات خانوادگی موضع‌گیرند وحکم کنند ونه طبق قانون مدنی مصوب دوران سلطنت رضاشاه، که به‌گفته امام‌خمینی، از ادواری بوده که "نسبت به زنان ظلم شده است."

متاسفانه دادگاههای مدنی خاص، ماده ۱۱۳۳قانون مدنی را معتبردانسته و مبنای قضاوت خود دربارهٔ اختلاف زن و شوهرقرار داده‌اند.

ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی، که متعلق به دوران سلطهٔ یک رژیم ستمگرطاغوتی است، منحصرا به‌مرد حق می‌دهد که هرلحظه اراده کند، زن خویش را طلاق گوید. بهانهٔ طلاق مهم نیست. آنچه مهم است، آنست که، این ماده پیوسته مورد سوءاستفاده شوهران بوالهوس و خودپرست و غیرمسئول بوده است، که خواست دل خود را مافوق مصالح جامعه، خانواده و زن وفرزند خویش قرارداده اند.

ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی در دست شوهران بی‌فرهنگ تیشه‌ای‌بوده که بر ریشهٔ خانواده زده شده، و دزیک طرفه‌العین، زنی را که "همسر" و "مادر" بوده، درآغوش خانواده جای داشته واز امنیت برخوردار بوده، از دل خانواده برکنده و بادست و دامان‌تهی به خیابان انداخته و به سرنوشت نامعلوم سپرده است.

هنوز همین ماده طاغوتی بر سرنوشت زنان حکم می‌راند و شوهرانی، به تبع طبع بوالهوس و خواستن‌ها و نخواستن‌های خود، دست‌همسر خویش را می‌گیرند و به دادگاه می‌برند و دادگاه با حضور دوشاهدی که، به گفته خانم دستغیب، زوجین را نمی‌شناسند، صیغهٔ طلاق، یعنی حکم درماندگی و بی‌پناهی زن را جاری می‌کند.

اگردرست است که در دوران سلسلهٔ جنایتکار پهلوی برزنان ظلم رفته است، که رفته است، پس نظام انقلابی جمهوری اسلامی، که گورکن آن رژیم جبار بود، باید بتواند از زنان رفع ظلم کند.

نقش زنان ایران درجریان انقلاب پرشکوه ۲۲ بهمن و ادوارقبل از آن بر احدی پوشیده نیست. امام‌خمینی بارها با کلامی گرم و نافذ برنقش ارزنده و برجستهٔ زنان درجریان مبارزات مردم ایران گواهی داده و از آنان تجلیل کرده‌اند.

نظام جمهوری اسلامی ایران‌باید بتواند دست زنان را، که درجریان انقلاب، حماسه‌های رشادت و قهرمانی و پایداری و ایثار آفریدند، بگیرد و آنان‌را از اعماق تبعیض و ستم بیرون کشد و براوج برابری زن و مرد بنشاند.

غالبا برضرورت شرکت زنان درمبارزات ضدامپریالیستی و خلقی تا پیروزی نهائی تکیه میشود. این تکیه‌ای است منطقی، زیرا انقلاب ما بدون شرکت زنان نمی‌تواند برآرمانهای استقلال‌طلبانه وخلقی خود دست یابد، و زنان بمثابهٔ اعضاء جامعه، نسبت به کشور و مردم خود وظایفی برعهده دارند، که انجام آن درصدر تعهدات خانوادگی، سیاسی و اجتماعی آنان قراردارد. اما توجه به‌این وظیفهٔ مهم، که زنان خوشبختانه درانجام آن سر بلند بیرون آمده‌اند، نه میتواند بمعنای نفی سایروظایف زنان و نه نفی حقوق آنان باشد.

زنان مانند مردان وظایفی دارند و حقوقی، که باید این هردو ازسوی جامعه محترم‌شناخته شودسلسله‌وظایف‌زن، وظایف همسری‌و مادری، در جامعه، تعهدات سیاسی و اجتماعی نسبت به‌میهن و مردم، شرکت درحیات اقتصادی کشور و غیره را دربرمی‌گیرد. هیچ جامعه‌ای حق ندارد، بخشی از این وظایف را از زنان سلب کند، و اگر چنین کند، بمعنای آنست که نیروی نیمی ازجامعه را نادیده گرفته و به تضعیف بنیهٔ اقتصادی‌و سیاسی جامعه کمک رسانده است.

زنان درقبال وظایف خود درجامعه‌ودرخانواده دارای حقوق مسلمی درجامعه و خانواده هستند، که هیچ جامعه عادل و رشیدی حق ندارد برحقوق اقتصادی و سیاسی و خانوادگی‌آنان خط بطلان کشد، و اگرچنین کند، به معنای آنست که جامعه عادل نیست، ظالم است، رشید نیست، رشد نیافته و خام است.

بدینسان آنجا که صحبت از برابری زن و مرد به میان می‌آید، نباید و نمی‌توان تنها ازوظایف زنان دربرابرجامعه سخن گفت و حقوق آنانرا نادیده گرفت.

متاسفانه نظام جمهوری اسلامی ایران، این نظام برخاسته از قلب پرتپش انقلاب خلقی‌ما، هنوز نخواسته و یا فرصت نیافته، آنگونه که شاید، به مسئله حقوق زنان توجه کند. وهمین مسئله است که نگرانی اقشار مختلف زنان را برانگیخته و نسبت به سرنوشت خود بیمناک ساخته است. شایعات مربوط به بازخرید و بازنشستگی‌زودتر از وقت زنان و شواهدی دراین باره، افزایش طلاق درخانواده‌ها بعلت سوءاستفاده شوهران ازمادهٔ ۱۱۳۳ قانون مدنی، دلالت بربی‌توجهی به حقوق زنان دارد، که خانم دستغیب بدرستی از آن با جملهٔ "عده زیادی ازخواهران ما درحال خردشدن ونابودی هستند" یاد کرده است.

نظام جمهوری اسلامی ایران درصدراقدامات خود باید به زنان استقلال اقتصادی دهد، یعنی امکانات شرکت زنان را درحیات اقتصادی کشور گسترش بخشد و نه آنکه آنرا محدود کند. بویژه درشرایطی که جامعه باید به وابستگی‌ها پایان بخشد و کشور را به مرز خودکفائی برساند، نمیتوان از میلیونهابازوی کار بی‌نیاز بود. امام خمینی بارها تاکید داشته‌اند که "اسلام مخالف با کار زنان نیست".

و اما این مسئله که زن باید درمحیط کار از نظرمنش و پوشش دچار افراط کاری نباشد، امری است که باید پذیرفت. وقتی استقلال اقتصادی زن تامین شد و احساس انسان بودن و آزاد و مستقل بودن در او بیدار شد و رشد یافت، آن وقت، اگرهم درزندگی خانوادگی براوستمی رود، فقط از نظرعاطفی و احساسی ضربه خواهد خورد و نه معیشتی، که او را به تالاب‌های فساد و نابودی خواهد کشاند.

نظام جمهوری اسلامی باید حقوق زن را به مثابهٔ یک انسان برابرحقوق درخانواده تامین کند، تا مرد نتواند هرگاه اراده کرد، زن را از آغوش خانواده جدا کند، فرزندانش را بگیرد و درمانده وبی پناه پشت دربگذارد. زنی که از نظراقتصادی وابسته به مرد است و خود قادر به تامین معیشت خویش نیست ودرخانواده نیز فاقد حقوق‌است و شیشه زندگی مشترکش دردست‌مرد، چگونه میتوان از چنین موجود درمانده وتوسری خورده و تحقیرشده‌ای، انسانی آگاه و مصمم و مبارز و پرخاشگر ساخت، که تحمل ظلم نکند و بر ضد آن بستیزد؟

اگر انقلاب حقوق تضییع شده زن را، تامین نکند، چگونه میتوان از او متوقع بود که به بهای جان از انقلاب دفاع کند؟

این وجه از قصور ویابی توجهی نسبت به حقوق زنان، متاسفانه مورد سوءاستفاده فراوان ضدانقلاب قرارگرفته است. ضدانقلاب پیرامون آن شب و روز تبلیغ‌وشایعه سازی میکند، موارد راتعمیم میدهد، نقائص را بزرگ می‌کند ومیخواهد به زنان بقبولاند که، انقلاب خیرخواه آنان نیست.

نخستین دولت رسمی جمهوری اسلامی ایران وظیفه دارد که با لغو کلیه قوانین تبعیض‌گرا و تصویب قوانین دربارهٔ حقوق برابر اقتصادی و اجتماعی و سیاسی زنان، به نحو روشن ومشخص براین افسون‌دشمن آب بطلان ریزد.

رانندگان کامیونهای سنگین:

ضدانقلاب همین سرمایه‌دارهای بزرگ و دلالها هستند.

در کشور ما عمده‌ترین وسیله حمل ونقل، که باید بوسیله کامیونهای سنگین و نیمه‌سنگین انجام می‌گیرد، که در جاده‌های بین شهرها در حرکتند.

آنرا یکی از شریان‌های عمده اقتصادی ایران نیز نامید.

قبل از انقلاب، سرمایه‌داری بزرگ در این بخش اقتصادی گسترش چشمگیری داشت و با بوجود آوردن شرکتهای بزرگ باربری، به استثمار رانندگان و کمک‌رانندگان مزدبگیر و صاحبان و رانندگانی که تنها یک کامیون داشتند می‌پرداخت.

پس از انقلاب اکثریت این عده، که به دربار نیز وابستگی هایی داشتند (از همپالکی‌های شاهپور غلامرضا بودند) فرار را بر قرار ترجیح دادند، که خوشبختانه اخیرا شرکت‌هایشان ملی اعلام شده است.

در کنار این عده، سرمایه‌داران متوسط و کوچک این بخش قرار دارند، که با داشتن چندین کامیون (از ۵ تا بیش از ۱۰۰ کامیون و تریلی) و در جوارآن‌توقف‌گاههای بزرگ باربری، به استثمار رانندگان مزدبگیر می‌پرداختند.

از این‌واقعیت‌که بگذریم، اکثریت صاحبان‌کامیونها و تریلرها قرار دارند، که با داشتن یک کامیون یا تریلر و با کار سنگین و مشقت‌بار و خطرناک امرار معاش می‌کنند. این عده اکثریت زحمتکش این بخش اقتصادی را تشکیل میدهند.

باتوجه به اهمیتی که این بخش در اقتصاد کشور دارد، ناامید شدن قشر زحمتکش این‌بخش می‌تواندلطمات جدی به انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی ایران وارد سازد.

این بخش مشکلات و معضلات خاص خود را دارد. پس از انقلاب و پس‌از محاصره‌اقتصادی امپریالیسم‌آمریکا و متحدان آن، ورود قطعات و لوازم یدکی کمبود کاهش یافت و در ارتباط با آن، سرمایه‌داران بزرگ و دلالان و واسطه‌ها قیمت این اجناس را به‌بهانه کمبود و نبود آنها به چندین برابر افزایش دادند و به‌این‌شکل یکی ازعوامل نارضایتی در بین زحمتکشان را بوجود آوردند. از سوی دیگر سرمایه‌داران بزرگ که در کار توقفگاههای باربری هستند، با استفاده از تعللهای دولت موقت، به دست باز به سوء استفاده از رانندگان به شکل دریافت بی‌حد و مرز کمیسیون بار پرداختند و به این‌شکل حلقه دیگر نارضایتی را در بین این زحمتکشان تکمیل کردند.

دراین زمینه با رانندگان به صحبت می‌نشینیم.یکی از آنان می‌گوید:

«اثاث (لوازم یدکی) نیست و اگر هم هست پنهان کرده‌اند و گران می‌فروشند. دیروز پمپ گازوئیل را باز کردم و رفتم بدنبال اثاث. یک روز از کار و زندگی باز ماندم و آخرش هم گیر نیاوردم، مجبور شدم‌همانطور پمپ را ببندم. الان لاستیک ندارم. اول جفتی ۳۰۰۰ تومان می‌خریدیم، الان ۶۰۰۰ تومان هم پیدا نمی‌شود.»

یکی دیگر از دوستانش، که‌همراه اوست، می‌گوید:

«اول بلبرینگ می‌خریدیم ۱۳۰ تومان، الان می‌خریم ۸۰۰ تومان. چهارشاخه گاردان اول ۸۰ تومان بود، الان ۵۰۰ تومان می‌خریم.»

و راننده اولی به سخن ادامه میدهد:

«راستش را بخواهی همه چیز در ایران هست. الان بنگاهها پر است. ما که می‌رویم بار خالی کنیم، می‌بینیم وسایل یدکی و مواد مصرفی هست. فقط یکنفر می‌خواهد اینها را از انبارها بکشد بیرون. ضدانقلاب همین سرمایه‌داران بزرگ و دلالها هستند. جنس را گرفته‌اند و قایم کرده‌اند، یکنفر مثل آیت‌الله خلخالی آدم می‌خواهد به جان اینها بیفتد و اینها را آدم بکند والا اینها آدم نمی‌شوند.»

سپس واقعه‌ای را در این زمینه تعریف می‌کند:

«رفته بودیم روغن‌نباتی بار بزنیم. از کارگری که آنجا بود پرسیدیم: شما مگر روغن تولید نمی‌کنید و یا کم تولیدمی‌کنید؟ می‌گفت: بخداقسم مواید ما بیشتر شده و کمتر نشده است، راست هم می‌گفت، ولی دلالها و سرمایه‌دارهای بزرگ می‌خرند و پنهان می‌کنند و گران می‌فروشند.»

از مشکلات دیگر او سئوال می‌کنیم، می‌گوید:

«وقتی به شهرستان می‌رویم، مسافرخانه که صرف نمی‌کند، مجبوریم شبها توی ماشین بخوابیم. هتل ما ماشین ما است. ما بیشتر می‌رویم انزلی، برای خواب نه گاراژ جا دارد و نه خودمان جائی داریم، مجبوریم توی ماشین بخوابیم. تا حالا به سندیکا ۲۰ دفعه گفتیم و هیچ کاری نتوانسته بکند. چندی پیش انزلی، راننده‌ها اعتصاب کردند تا لااقل گاراژدارها جائی را درست کنند. ولی همینطوری مانده. گاراژدارها از باری که ۵ زنیم،از تومانی یک قران تا تومانی ٤ ریال کمیسیون می‌گیرند. بارنامه را هم کامل پر نمی‌کنند و یا کم می‌نویسند، تا هرچه‌قدر بخواهند بردارند.»

با راننده ماک نفت‌کش، که نامش عین‌الله است، به گفتگو می‌نشینیم. او قبلا در جاده ساوه مکانیکی داشته و به‌همین دلیل به چگونگی کمبود و گرانی قطعات‌یدکی آگاهی کافی دارد. او می‌گوید:

«لوازم یدکی خیلی مشکل گیر می‌آید، هر کجا که میروی، نیست. از عمده فروشهای قدیمی مثل عمده فروشهای خیابان قزوین که بگذریم، دیگران عمده‌فروش نیستند. مثلا از این آقا می‌گیرند و یا قاچاقی وارده‌می‌کنند، و لوازم هم دارند، ولی نمی‌دهند. اینها (عمده‌فروش‌ها) می‌افتند دوره، مغازه به مغازه و طی می‌کنند که فلان جنس را از فلان قیمت ارزانتر نفروشند!

رفته بودم سوپاپ بگیرم، از آشنای خودمان هم رفتم بگیرم، فروشنده می‌گفت: آقا سوپاپ نیست، اگر باشد، ما ۱۲تائی می‌فروشیم و نه ٦تائی‌و ۲۷۰۰ تومان‌هم‌میدهیم.

همین رفیقمان را که می‌بینی (دوستش را که در زیر ماشین در حال‌کار است نشان‌میدهد) اکسل (محورهٔ) ماشین‌مان را باز کرده بود و چهار روز اینجا خوابیدیم برای ۳ میل سنگدست و شما ببینی تعجب میکنی دو تا میلهٔ کوچک و دوتا بوش و چهارتا کاسه نمد، سه روز همینطوری ایستادیم، تمام تهران را زیر و رو کردیم. گفتند نیست. رفتیم جاده ساوه پیدا کردیم. فکر میکنی چند؟ ۵۰۰ تومان!»

و از مشکلات دیگرش سخن می‌گوید:

«ماشین ما تانکر است و شرکت نفت به ما بار می‌دهد، ولی این وسط عده‌ای دلال بنام پیمانکار پیدا شده‌اند و فقط با کاغذبازی از ما کلاشی می‌کنند!

مثلا از اینجا می‌رویم آبادان تا برای رشت ومیانه و قزوین و مشهد و یا هر جا که باشد، بار می‌زنیم یک سر ماشین خالی است. حساب کن که خرج ماشین چقدر می‌شود. در این بین آخر پیمانکار چکاره است؟ یک‌ماه یک ماه بیاید از ماشین من برداشت بکند؟ برای چی؟ به بهانه بیمه! و کاغذبازی!

یک ماه پیش از عید، ماشینم تصادف کرد. یک تانکم را دزدیدند و ۳۷۰۰۰ لیتر گازوئیل ما از بین‌رفت. با اینکه پول گازوئیل را بیمه میدهد، به پیمانکار گفتم: خوب، این کار را باید شما درست کنید، چون شما پیمانکارید و کمیسیون می‌گیرید و پول بیمه می‌گیرید. آخر قبول نکرد. میگفت دولت اینرا قبول نمی‌کند. دولت باید اینها را کنترل کند و درثانی اگر کمیسیون لازم است دولت بردارد، چرا به‌جیب دلالها برود؟ اینها هرکدام هفته‌ای ۱۵۰ تا ماشین پیمان می‌بندند با این حساب‌دست اگر توی راه تصادف کنم و ازبین بروم، خرج زن‌وبچه‌ام بیرند!

راستش تمام این مشکلات و گرانی و کمیابی اجناس برای اینست که بعد از انقلاب دولت این واسطه‌ها و دلالها را به امان‌خدا ول کرده و آنها از این انقلاب دارند بی سر و صدا سوء استفاده می‌کنند و خیلی هم قشنگ. دولت باید این واسطه‌ها و دلالها را از بین‌ببرد و خودش به ما جنس بدهد. در غیر اینصورت هر روز که بگذرد، وسایل یدکی گرانتر خواهد شد.»

با یکی دیگر از رانندگان، که یک پنز خاور ۲½ تن دارد، به گفتگو می‌نشینیم:

«مشکلات زیاد است. از یک‌طرف لوازم گیر نمی‌آید و ماشین می‌خوابد و از طرف دیگر گاراژدارها هر چقدر بخواهند کمیسیون برمی‌دارند. بیمه هم که نیستیم. من الان ۱۱ سال است روی این کارم. هنوز بیمه‌نیستم. اگر توی راه تصادف کنم و از بن بروم، خرج زن وبچه‌ام چه میشود، معلوم نیست!»

بارنامه‌ایش را نشان می‌دهد:

«مثلا این تره‌بار میدان است، ۱۰۰۰ تومان برایمان بار زده (گاراژدار) ۳۵۰ تومان برداشته، این دیگری بار دربستی است که از ۱۲۰۰ تومان ۱۵۰ تومان برداشته. آخر کاغذبازی چقدر خرجش است؟

به غیر از کمیسیون، شبی ۱۰ تومان برای دلالی‌داری، و شبی ۱۰ تومان برای انبارداری پول می‌گیرند. اگر ماشین سالم باشد و نخوابد، هفته‌ای سه سرویس می‌روم، که‌سه‌نوبت ۳۰۰ تومان او برمی‌دارد، یعنی در عرض ۱۱ سال، من پول ۳ تا ماشین به این گاراژدار داده‌ام!

اگر دولتی باشد که برای مستضعفان کار کند. بیاید یک کمیسیون ثابت بگذارد، تا بدانیم چقدر به گاراژدار باید بدهیم.

مثلا در گاراژ ایلام دربرابر ۱۵۰۰ تومان بار، گاراژدار ۵۰۰ تومان کمیسیون می‌خواهد. اگر بگویم نمی‌دهم، می‌گوید، دیگر توی این گاراژ نیا. اگر هم گاراژ نرویم، بار نداریم. خود گاراژدار که اینجا نیست. یک‌نفر پیرمرد را گذاشته کارش را بکند و خودش هم معلوم نیست خارج است یا اینجاست.

ولی خوب، ما شب و روز داریم زحمت می‌کشیم،کدام راننده است که بتواند ۲۰ سال رانندگی کند. از ۱۸ سالگی افتادیم به این شغل. تا کمرمان خرد بشود باید یک‌عمر توی این کار باشیم. بعد از یک‌عمر کارمان‌گدائی است و هیچ آینده‌ای هم نداریم.»

رانندگان کامیونها، این زحمتکشان، که با تحمل مشکلات فراوان محمولات اقتصادی کشور را به مقصد می‌رسانند، عمق مشکلات خود را به خوبی می‌دانند و همچنین راه‌حل‌های آنرا.

دولت با در دست گرفتن صنایع و بازرگانی خارجی و ایجاد فروشگاههای دولتی، که بتواند احتیاجات‌اساسی این زحمتکشان را مستقیما بدستشان برساند و با ثابت نمودن میزان کمیسیون بار و نظارت بر آن می‌تواند این زحمتکشان را به انقلاب دلگرم سازد و در این روند صفوف انقلاب را نیز مستحکمتر سازد. در غیر این صورت ضدانقلاب درتوطئه‌های خود برای‌تلخ‌کردن شرایط‌اقتصادی کشور و تشدید نارضایتی، از این نابسامانی سود خواهد جست.

www.iran-archive.com

گذری به روستاهای اطراف اراک

کم‌آبی مشکل عمده کشاورزان گیلی است

روستای گیلی از بخش مشک آباد در ۳۰ کیلومتری جاده اراک ـ خمین واقع است در این روستا حدود ۱۶۰ خانوار (۹۰۰ نفر) زندگی می‌کنند، که ۵۰ خانوار آنها را زحمتکشان بی‌زمین (خوش نشین) تشکیل میدهند.

در روستا از آب لوله کشی، برق، درمانگاه، حمام بهداشتی و دیگر امکانات رفاهی خبری نیست. اغلب زمینهای روستا دیم‌زار هستند و محصولات عمده روستا گندم، جو، پیاز و لوبیا است.

در روستا شورای ده تشکیل شده است، که چهار عضو دارد، ولی به علت عدم امکانات، شورای ده تاکنون موفق به انجام کاری برای روستائیان نشده است.

مشکل آب کشاورزی یکی از مشکلاتی است که اغلب روستائیان این منطقه از آن زجر می‌کشند. در فاصله چند کیلومتری روستا، با دو نفر از زحمتکشان گیلی، که مشغول غربال کردن جو هستند، صحبت می‌کنیم.

عربعلی، پیرمردی که در حدود ۶۵ سال از سنش می‌گذرد، می‌گوید:

"مشکل ما گیلی‌ها، بی آبی است. از کمی آب مجبور شدم از گیلی به اینجا بیایم و یک قطعه زمین را بکارم."

وی یک کوت جو را، که در حدود ۳۰۰ کیلو است، به ما نشان داده می‌گوید:

"این کوت سهم من است. نصف محصول را بابت آب و زمین به صاحب آن می دهم. این حاصل زحمت چندین ماهه منست. در قطعه زمین دیگری ۱۰۰۰ تومان پول تراکتور دادم و زمین را شخم زدم و گندم پاشیدم، ولی از بی‌آبی هیچی بدستم نیامد."

محمدحسین، که یکی از دهقانان بی زمین گیلی است، می‌گوید:

"۶ سر عائله دارم، ولی زمینی برای کشت ندارم و مجبورم برای سیر کردن شکم بچه‌ها یا عملگی کنم و یا روی زمین دیگران کار کنم."

قاسم یکی دیگر از دهقانان بی زمین می‌گوید:

"با ۱۰ سر عائله حتی یک وجب زمین (رعیتی) ندارم. تازه اگر هم زمین داشتم از بی آبی نمی‌توانستم بکارم."

روستای گیلی ۲ قنات دارد، که به علت عدم لاروبی، آبشان خیلی کم است البته جهاد سازندگی اراک با کمک اهالی مشغول لاروبی یکی از قناتهاست. عمده‌ترین خواست روستائیان گیلی کمک دولت در زمینه آبرسانی است. آنها می‌گویند:

"اگر مسئولین امر به ما کمک کنند و چاه عمیق بزنند، از این نظر مشکلمان حل می‌شود."

روستای گیلی فاقد حمام بهداشتی است و حمام روستا به صورت خزینه‌ای است.

اهالی روستای کمال آباد از دولت انقلاب تقاضای کمک دارند

روستای کمال آباد، در ۲۵ کیلومتری شمال اراک واقع است. زحمتکشان این روستا، که جمعیت آن بالغ بر ۶۰۰ نفر است، به علت عدم امکانات مالی، از داشتن برق محرومند. با اینکه برق منطقه‌ای تمام روستاهای اطراف را پوشانده است، زحمتکشان این روستا توانائی پرداخت هزینه‌های اولیه برای برق رسانی به این روستا را ندارند. در ضمن به علت همین کمبود قدرت مالی روستائیان، فعالیتهای جهاد سازندگی برای احداث حمام برای روستا متوقف مانده است.

اهالی این روستا از دولت و نهادهای انقلابی، به‌خصوص جهاد سازندگی، انتظار دارند که در اتمام ساختمان حمام، که ساختن آن از یک سال پیش متوقف شده است و دیگر امکانات اولیه زندگی نظیر آب آشامیدنی، برق و امکانات بهداشتی به آنها یاری رسانند.

روستای جمالکه در کدام عصر زندگی میکند؟

در ۲۵ کیلومتری اراک، در میان کوه‌پایه‌ها، خانه‌های مخروبه‌ای به چشم می‌خورند. اینجا روستای جمالکه است. جمالکه، از بخش مشک آباد، یکی از هزاران روستای فقرزدهٔ میهنمان است. که بر اثر سیاستهای ویرانگرانه رژیم سرسپرده شاه سابق به صورت مخروبه‌ای درآمده است، و در نتیجه نصف اهالی آن مجبور به مهاجرت از روستا شده‌اند.

جمالکه فاقد ابتدائی‌ترین امکانات زندگی است و حتی مغازه‌ای در آن وجود ندارد و روستائیان برای خرید کبریت هم ناچارند به اراک بروند.

در جمالکه قبلاً ۶۰ خانوار زندگی می‌کردند، ولی اینک فقط ۳۰ خانوار (۱۵۰ نفر) از آنها باقی مانده‌اند و بقیه به مرور روستا را ترک کرده‌اند. از این ۳۰ خانوار، ۱۰ خانوار آن را دهقانان بی زمین تشکیل می‌دهند.

روستا در حدود ۲۵۰۰ هکتار زمین مزروعی دارد، ولی بر اثر نبودن آب بیشتر زمینها بدون استفاده مانده‌اند.

روستائیان علاوه بر کشاورزی قالی‌باقی هم می‌کنند و تقریباً تمام زنان جمالکه به این کار اشتغال دارند.

یکی از اهالی جمالکه میگوید:

"از کشاورزی چیزی عایدمان نمی شود و بیشتر درآمدمان از طریق قالیبافی تامین می‌شود."

وی با لبخندی می‌افزاید:

"خرج ما را زنهایمان تأمین میکنند."

برای آشنائی بیشتر با مشکلات عظیم این زحمتکشان، پای صحبت آنها می‌نشینیم. آقای جلال وندی، که رئیس شورای ده جمالکه است، در ۳ کیلومتری روستا مشغول درو کردن گندم است. بوته‌های گندم از بی آبی اغلب پراکنده‌اند و به نظر میرسد فاقد دانه باشند. وقتی ما را می‌بینند، می‌گویند:

"شما هم نمی‌توانید کاری برایمان انجام دهید. دهها نامه نوشتیم، دهها بار به فرمانداری رفتیم، نزد امام جمعه اراک رفتیم و ... ولی یا به ما وعده دادند، یا مانند فرمانداری به ما گفتند شما اولویت ندارید".

ما هیچی نداریم. هیچ دلخوشی نداریم. برای مثال: حمام خزینه‌ای ما ۴ ماه خوابیده بود و حتی نمی‌توانستیم خودمان را تمیز کنیم. از بی آبی در عذابیم و..."

وی درباره اداره‌ها می‌گوید:

"اینها اصلاً به کار مردم رسیدگی نمیکنند باید این ادارات را، همانگونه که امام دستور داده‌اند، جداً "تصفیه کنند. در زمان طاغوت که برایمان هیچ کاری نکردند، ولی ما از دولت انقلابی خود توقع داریم به وضع ما رسیدگی کند".

به روستا که وارد می‌شویم، اهالی ما را احاطه می‌کنند و هر کدام به نوعی از درد مشترک خود سخن می‌گویند.

حاج محمدنبی، عضو دیگر شورای ده، با حالتی گرفته و خشمگین میگوید:

"روستای ما را خالی کرده‌اند، چرا؟ فقط به علت نبودن ابتدائی‌ترین امکانات در ده، نبودن آب برای کشاورزی، روستای ما خالی شده. اگر به وضع ما رسیدگی نشود، بقیه هم مجبور می‌شویم روستا را ترک کنیم، آواره شهر شویم."

از وی درباره فعالیت شورای ده سئوال می‌کنیم. در پاسخ می‌گوید:

"ده بار به استانداری، فرمانداری و دیگر مراجع مسئول مراجعه کردیم، ولی حتی یک قدم هم برای ما برنداشتند، که نتیجه گرفته باشیم. شورا تا به حال هیچ کاری نتوانسته است بکند".

عشقعلی، پیرمرد مهربان و زحمتکش جمالکه با متانت می‌گوید:

"ده جمالکه از ایران نیست، زیرا برق از دو فرسخی مارد شده و تا کودز رفته، ولی هیچ توجهای به ما نشده است. پس معلوم می‌شود که ما از ایران نیستیم".

او سقف مخروبه دالان خانه‌اش را به ما نشان می‌دهد و می‌گوید:

"پس چرا به مستضعفین واقعی توجهی نمی‌شود؟ من حتی نمی‌توانم خانه‌ام را که در حال ریزش است، درست کنم".

روستائیان درباره حمام جمالکه برایمان توضیح می‌دهند:

"جهاد سازندگی می‌خواست برایمان حمام بسازد، ولی از ما می‌خواست پول بنا و دیگر وسائل را، که حدود ۳۰ هزار تومان می‌شود، بپردازیم. و ما هم که چنین پولی نداشتیم، ناچار را "از خیرش گذشتیم".

صفرعلی، یکی از دهقانان بی‌زمین جمالکه می‌گوید:

"من زمینی برای کشت ندارم".

می‌پرسیم: اگر به شما زمین بدهند، ط ضرید کشت کنید؟

او با حالتی آمیخته با ناراحتی میگوید:

"چرا حاضر نباشم؟ از خدا می‌خواهم".

او ما را به طرف خانه‌هائی که از سکنه خالی شده‌اند، می‌برد و تک خانه‌ها را نشان می‌دهد و در آخر ما را به طرف حمام روستا می‌برد و می‌گوید:

"هر آن ممکنست حمام بر سرمان خراب شود".

یکی از مشکلات اساسی روستائیان جمالکه کمبود آب آشامیدنی و به‌ویژه آب برای کشاورزی است. روستائیان معتقدند که در صورت کمک دولت و حفر یک چاه عمیق، این مشکل تا حد زیادی برطرف می‌شود.

به هر کجای جمالکه نگاه کنی، همه و همه اسناد خیانت رژیم شاه سابق هستند که میهن ما را به جولانگاه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، بدل کرده بود.

وقتی از روستا خارج می‌شویم، هنوز فریادهای زن، مرد، پیر و جوان جمالکه در گوشمان زنگ می‌زند:

"آقا شما را به خدا وضع ما را بنویسید، آب نداریم، حمام نداریم، درمانگاه نداریم و ..."

مشکل کمبود آب را، که گریبانگیر روستاهای کشورمان است، می‌توان و باید حل کرد. دولت قادر است، با حفر چاه‌های عمیق و نیمه عمیق و واگذاری موتورهای آب به روستائیان در این زمینه آنها را یاری کند. حل این معضل حیاتی، در این شرایط که ما احتیاج به تولید بیشتر در امور کشاورزی داریم، فوری، ضروری و سودمند به حال انقلاب است.

همچنین با به اجرا گذاردن طرح اصلاحات ارضی و برآوردن دیگر خواستهای رفاهی دهقانان زحمتکش، بار فقر و رنج و فلاکت را از دوش آنان باید برداشت. هیئت‌های ۷ نفری باید هر چه سریعتر و با قاطعیت عمل کنند و نمایندگان واقعی دهقانان بی‌نصیب در آن عضویت داشته باشند.

دهقانان بیدارند، از مالکان بیزارند

مرگ بر فئودالیسم، حامی امپریالیسم! با این‌شعار دهقانان مبارز منطقه سنجابی علیه بزرگ‌مالکی و بقایای فئودالیسم و برای حفاظت از انقلاب درخیابانها رژه رفتند.

● روز ۲۰ مردادماه ۵۹، یک راهپیمائی با شرکت دهقانان منطقه سنجابی (خوده‌زرده، کورزان، بابان قاسم‌خان، بابان‌پور عزیزی، بندار، شیخ مصطفی ـ قلیچ خان، چفاخزان، یتران، چنگن و چندین روستای دیگر) برای پشتیبانی از عمل انقلابی دستگیری فئودالهای منطقه، اصغرخان، شاه‌مارخان، محمدخان سنجابی و کریم‌صفایی، از میدان تاجگذاری سابق تا محل زندان دیزل‌آباد درشهر کرمانشاه برگزار گردید.

در این راهپیمائی گروه کثیری از دهقانان منطقه سنجابی با شعارهای خود از جمله:

دهقانان بیدارند، از مالکان بیزارند
مالکان برایمان، همدستان پالیزبان
خمینی، خمینی حامی زحمتکشان
آمریکا، مالکان دشمن مستضعفان
خمینی، خمینی این مالکان که دیدی
خون ما را مکیدند، قلب ما را دریدند.

نفرت و انزجار خود را از وجود مالکان بزرگ و فئودالها بیان کردند.

دهقانان مبارز سنجابی سپس در محل تجمع خود یک میتینگ باشکوه برگزار و قطعنامه هشت‌ماده‌ای خود را قرائت کردند.

این قطعنامه زبان‌گویا و خواست توده‌های میلیونی زحمتکشان روستائی است، که برای تداوم انقلاب و نبرد علیه امپریالیسم، به ریشه‌کن کردن روابط ظالمانه بزرگ‌مالکی و فئودالی و به دستگیری و مجازات فئودالها تکیه خاص شده‌است.

خواست‌های بحق دهقانان در این قطعنامه بشرح زیر تشریح شده است:

ـ محاکمه فئودالهای دستگیر شده و نیز دستگیری سایر فئودالهای منطقه، که جرمشان محرز است و ریشه‌کن کردن وابستگان رژیم سابق و قطع نفوذ آنها در منطقه،

ـ اجرای قانون اصلاحات ارضی مصوبه درشورای انقلاب، که به نفع مستضعفین و به‌زیان مستکبرین است،

ـ سرکوبی شدید ضدانقلابیون و عمال وابسته به بعث عراق در نواحی مرزی و سایر نقاط کشور،

ـ احیاء کشاورزی جهت رهایی کشوراز وابستگی

ـ ایجاد راه‌ها و ساختمان مدارس،

ـ بسیج توده مردم علیه تجاوزات خارجی و عناصر ضدانقلاب داخلی،

ـ ما دهقانان آمادگی خودرا در اجرای برنامه دفع ازمرزهای کشور و مقابله باهرگونه توطئه داخلی بخصوص در ناحیه سنجابی اعلام می‌نمائیم.»

راهپیمایی باشکوه دهقانان منطقه سنجابی بعد از چند ساعت به‌پایان رسید. این راهپیمائی وخواست‌های دهقانان نشانگر آنست که توده‌های زحمتکش روستائی ما بیدار و آگاه در جهت حفظ انقلاب گام برمیدارند. با اقدامات انقلابی در جهت تامین و تثبیت منافع زحمتکشان روستائی میتوان این نیروی عظیم را برای حفاظت از انقلاب تجهیز کرد.

زحمتکشان ما در انتظار اقدامات انقلابی در اجرای سریع قانون واگذاری زمین و کمک به دهقانان بی‌دست هستند.

مبارزه پیگیر علیه بزرگ‌مالکان و فئودالها درخدمت دهقانان و حفاظت از انقلاب است.

دوفیلم از...

بقیه از صفحهٔ ٦

بدون رعایت صف، به‌جلوی باجه می‌رود و بی‌اعتنا به مردم زنده‌پوش درون صف، بلیط می‌خرد، دوربین دامیانی با یک حرکت سریع چهرهٔ درشت چونچو را می‌نمایاند. این شبیه همان حرکتی است که درابتدای فیلم، هنگام تیرباران چهار آزادیخواه، روی چهرهٔ امریکایی دیده‌ایم. اگر درآن صحنه حرکت به منزلهٔ مصمم‌شدن امریکایی برانجام نقشهٔ خائنانه‌اش بود، دراینجا نمایانگر پیروزی راه مردم درشخصیت چونچو است. او امریکایی را درنهایت بی‌باوری وی به آزادی و آزادیخواهی پای قطاری‌کشد، و سپس بافریادهای "زنده باد مکزیک" در دالان بین دوقطار ازصحنه دورمی‌شود.

پرداخت شخصیت چونچو و تحولات درونی‌اش بسیار دقیق و استادانه انجام گرفته است، ضمن این که بازی درخور تحسین وهنرمندانهٔ جیان ماریا ولونته نیز دراین پرداخت نقش بسزایی دارد.

دامیانی به نقش مذهب درجنبش‌های آزادی‌بخش ملی نیز بدرستی وقوف دارد. سانتو (کلوس کینسکی) برادر چونچو فردی است باعقاید مذهبی که تمام زندگی‌اش را وقف مبارزه بخاطر آزادی مکزیک کرده است. او درایمان خویش بقدری پایبند است که حتی مسئولیت اعدام برادرش را، بخاطر خطایی که به قیمت قتل عام مردم دهکده‌ای تمام شده است، خود به عهده می‌گیرد.

و اما فیلم "تریشیتی علیه یانکی‌ها". این فیلم، که مانند فیلم قبلی از موزیک دل‌انگیز "اینیوموریکونه" برخوردار است، متاسفانه به وسیله تحریف دردوبله و ازبین رفتن پیوندهای منطقی آن زیرفیجی سانسور، از محتوا تهی شده است.

فیلم نمایانگر حوکسی‌ها و سمگری‌های دولت و ارتش امریکا نسبت به سرخپوست‌هاست، ولی آنچه درتهران به نمایش درآمده، فیلمی است بخاری، که درسکل و مضمون ازحدفیلم‌های هالیوودی فراترنمی‌رود.

www.iran-archive.com

خدمات پزشکی و اجتماعی در جمهوری دمکراتیک آلمان

در جمهوری دمکراتیک آلمان انتظار عمر مردان ۶۹ سال و برای زنان ۷۴/۸ سال است. دراین کشور شماره مرگ نوزادان از ۳۸/۸ در هزار در سال ۱۳۳۹ به ۱۳/۱ در هزار در سال ۱۳۵۷ کاهش یافت.

امروزه ۳۷۸۸ بنیاد پزشکی در موسسات و کارخانه‌های آلمان دمکراتیک وظیفه معالجه ومداوای ۵/۵ میلیون زحمتکش، یعنی دوسوم سکنه آن کشور را بعهده دارند. در سال ۱۳۵۷، ۳۳۵۹ بخش پزشکی و پرستاری، ۳۲۰ درمانگاه و ۱۱۶ پلی کلینیک در کارخانه‌ها وموسسات دایر بود.

۷۷۵ پزشک متخصص و ۲۹۰ بازرس بهداشتی کار و ۴۴۰ درشناس علوم طبیعی در زمینه مشورت درباره بهداشت کار ونظارت برآن به‌انجام وظیفه مشغولند.

بودجه بهداری و خدمات اجتماعی جمهوری دمکراتیک آلمان در سال ۱۳۵۷، ۸/۹ میلیارد مارک بود. در این زمینه، خدمات پزشکی و اجتماعی، که نوزادان ازآنها بهره‌مند میشوند، مقامی برویژه حائز است. جدول زیر اطلاعات بیشتری در اینباره بدست میدهد:

هزینه بیمه اجتماعی مادر (میلیون مارک)

سال	کمک‌هزینه به زنان باردار	کمک‌هزینه زایمان	کمک‌هزینه بیماری کودکان	کمک هزینه به‌مادران تنها وبدون مهد کودک	کمک هزینه به مادران صاحب دو کودک به‌بالا پس ازمرخصی زایمان
۱۳۴۹	۲۱۶/۴	۱۳۲/۵	۱۱/۴	–	–
۱۳۵۴	۲۹۵/۶	۱۶۸/۹	۳۲/۲	۱۸/۶	–
۱۳۵۵	۳۹۷/۵	۱۸۱/۹	۳۹/۲	۲۰/۱	۴۴/۸
۱۳۵۶	۲۶۸/۲	۲۰۶/۱	۴۲/۰	۲۱/۴	۱۵۴/۸
۱۳۵۷	۶۲۵/۵	۲۱۷/۳	۵۲/۷	۳۰/۲	۲۲۲/۸

در جهان سوسیالیسم

باسرخپوستان در کانادامثل برده رفتار میشود

نود درصد ۱۴ هزار کارگر روستایی ایالت «بریتیش کلمبیا»، واقع درغرب کانادا، سرخپوست و اکثر آنها زن هستند. بگفته راچوهان، رئیس «سندیکای کارگران روستایی کانادا»، با نامبردگان «مثل برده رفتار میشود». وی اضافه کرد که این سرخپوستان «از هرگونه بیمه‌اجتماعی وبهداشتی محرومند و دستمزد آنها کفایت معیشت خود و خانواده‌هایشان را نمیدهد».

کارگران روستایی سرخپوست تا ۱۶ ساعت در مزارع کارمیکنند و دستمزدی که دریافت میدارند، تنها بحدی است که آنهارا زنده نگهدارد. کودکان آنها نیز که از هفت سالگی بکار گماشته میشوند، هیچگونه دستمزدی دریافت نمی‌دارند.

کارگران روستایی سرخپوست اغلب مجبورند مسافت زیادی را ازخانه به‌مزارع بپیمایند ومخارج سنگین ایاب وذهاب را از محل درآمد ناچیز خود متحمل گردند. بسیاری از آنها درازای اجاره یک اتاق کوچک، بمساحت ۷/۵ متربع، اغلب ماهانه ۲۰۰ دلار کانادایی می‌پردازند. اینگونه «خانه»ها نه‌بخاری وتهویه دارد ونه وسائل بهداشتی.

تاکنون مقررات وقوانینی برای دفاع ازحقوق ومنافع کارگران سرخپوست در کانادا وجود نداشته است. کارگران روستایی سرخپوست برای پیشبرد منافع صنفی خود هرچه بیشتر در «سندیکای کارگران روستایی کانادا» متشکل میشوند. که دوماه‌پیش تأسیس یافت. هرچند اینگونه افراد اغلب باتهدید بمرگ روبرو میگردند، سندیکای نامبرده عمدا کنون ۳۰۰ عضو دارد.

در جهان سرمایه‌داری

اجرای فوری اصل قانون اساسی درمورد ملی کردن بازرگانی خارجی وایجادبخش دولتی درتوزیع فرآورده‌های مورد مصرف همگانی، یگانه راه برای کنترل قیمتها و جلوگیری ازغارت سرمایه‌داران بزرگ، دلالان و محتکرانست

نقدی بر «دست کثیف استعمار» و «ترینیتی علیه یانکی‌ها»، ساخته دامیانو دامیانی

بارشد جنبش های آزادیبخش ملی‌ونهضتهای کارگری و کمونیستی‌درسراسرجهان، سینماگران بسیاری نیزدرکشورهای سرمایه‌داری به عقاید دمکراتیک و مترقی روی آوردند. آنها روز به روز به آرمانها و مبارزهٔ طبقهٔ کارگر نزدیک ترمیشوند ودرآثارشان‌بیش از پیش فجایع هستی سوز نظام منحط سرمایه‌داری را به تصویرمی‌کشند.

دامیانو دامیانی، هنرمند برجستهٔ ایتالیایی، نیز درزمرهٔ همین سینماگران است. در کشور او سینماگران بسیاری هنرخود را در راستای مبارزه، منافع و امیدهای زحمتکشان قرارداده‌اند، که از آن جمله‌اند. *فرانچسکو رزی*، *آلیوپتری*، *جولیانو مونتالدو* و *جیلوپونته کوروو*.

دامیانی درمقابل مسائل حاد و بغرنج عصرما، که محتوایش گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم است، نه تنها بی‌تفاوت نیست، بلکه با احساس مسئولیت عمیق و سرشار از اندیشه‌های صلح‌جویانه وانسان دوستانه، درعرصهٔ هنرخود، فعالانه در کار مبارزه با زشتیها و پلیدی‌ها و افشاء هزارتوی نیرنگ‌های سرمایه‌داری است.

دامیانی به درستی امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، را دشمن تمام‌بشریت تشخیص داده و درهمهٔ فیلم‌هایش، واقعیات شوم عمل‌کردهای این دشمن مکار و تجاوزکار را در ارتباط با سایرکشورها، خلقهای تحت ستم و سازمانهایی نظیر "سیا" و مافیاو... می‌نمایاند. *دامیانی* بخاطر پیوند باتوده‌ها ورساندن پیامش به آنها، شیوهٔ خاصی را برگزیده است.

امروزه فیلم‌های تجارتی، با ظاهری خوش‌آب ورنگ و پرهیجان و مضمونی عمیقا ارتجاعی و ضد انسانی و امپریالیسم پسند، وسیله مهم مسموم ساختن افکارتودهٔ تماشاگران سینماست.

دامیانی باتوجه به این مسئله، پیام‌های مترقی و آگاهی‌دهندهٔ خود را درغالب همین سینما، به میان تماشاگران می‌برد. او درفیلم‌هایش ازموضوع‌های رایج درسینمای غرب سودمی‌جوید، ولی محتوایی غنی و انباشته از روح مبارزه باریشه‌های فساد و بدبختی انسان‌ها را ارائه می‌دهد.

شیوهٔ محبوب *دامیانی* نه‌تنها دشواری‌هایی دارد، بلکه خطر غرق شدن درسینمای تجارتی را نیزبه همراه خود یدک می‌کشد، که البته *دامیانی* تا امروز از این خطرمصون مانده و بردشواری‌ها فائق آمده است.

فیلم‌های "*دست کثیف استعمار*" و "*ترینیتی علیه یانکی‌ها*" از این کارگردان، هم‌اکنون بر پرده است، که به ترتیب به بررسی آنهامی‌پردازیم.

چهارمرد با گام‌های استوار و چهره‌هایی جسور درحرکتند. گویی به وعده‌گاه امید می‌روند. در کنار دیواری می‌ایستند. دوتن از آنها یکدیگر را درآغوش می‌گیرند ودرفریاد دیگری که می‌گوید:

هنر

دوفیلم از یک کارگردان

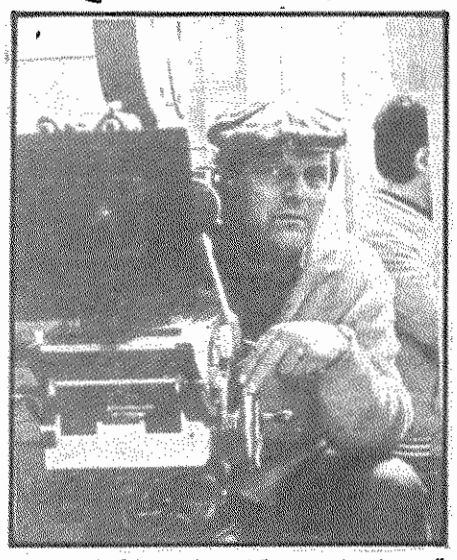

"*خون‌های ما درخت آزادی مکزیک را آبیاری‌خواهد کرد. زنده باد مکزیک*"، زن هایی، پیرو جوان، سرهاشان را ازمیان میله‌هایی بدرمی‌آورند و باجیغ وفریاد با آنها همدردی می‌کنند. چهارمرد را تیرباران می‌کنند.

دراین صحنه، هنگامی‌که تفنگ‌ها به روی‌سینهٔ آزادی‌خواهان نشانه می‌رود، مردی با دوپای قطع شده، باکشیدن خود برروی زمین، حرکت می‌کند. ادغام این دوعمل بیان‌هنرمندانه ایست ازشرایط حاکم: اگرچه آزادیخواهان درقربانگاه منافع استعماراعدام می‌شوند، ولی حرکت مرد بدون پا نشان ازبقا و ادامهٔ حرکت جنبش آزادی خواهی می‌دهد.

پس از تیرباران، دوربین با حرکت سریع، چهرهٔ مردی امریکایی را می‌نمایاند که، خونسردانه به‌صحنه می‌نگرد. بدینگونه فیلم "*دست کثیف استعمار*" شروع می‌شود. مضمون این صحنه را *دامیانی* درسراسر فیلم می‌پروراند.

دهه دوم قرن بیستم است. امپریالیسم‌امریکا با قدرت تمام گلوی مردم مکزیک را بسان سایر کشورهای تحت سلطه خود زیریوغ "سرمایه" می‌فشارد. جنبش‌های‌انقلابی سراسر کشوررا فرا گرفته است. امپریالیسم امریکا ضمن تجهیز و تقویت همه‌جانبه مزدوران چکمه‌پوش و ستاره بر دوش مکزیکی، یکی از ماموران "خبره" خود را برای‌قتل رهبر آزادی خواهان به مکزیک اعزام می‌دارد. گروه‌هایی از راهزن‌ها با سرقت‌اسلحه‌های دولتی وفروش آنها به انقلابیون. هم پولی به چنگ می‌آورند و هم تلویحا به انقلاب یاری می‌رسانند.

آنچه بیش از این به فیلم عنا می‌بخشد، نمایش هنرمندانهٔ نقش حیله‌گرانهٔ امپریالیسم جنایت‌کار آمریکا، درسرکوب جنبش‌های انقلابی است، که گوشه‌ای از آن درشخصیت مرد امریکایی (لوکاستل) فیلم نهفته است. او بنا به تقاضای دولت مکزیک، ازطریق سفارت امریکا به این کشور اعزام شده است، تا "گرهٔ کور" دولت‌دست‌نشانده آن را بگشاید. و سرانجام مبلغ هنگفتی ازدسترنج زحمتکشان این کشور را به عنوان دستمزد عمل جنایت کارانهٔ خویش به یغما برد.

دامیانی بی‌پایگی ادعاهای پوشالی امپریالیسم امریکا نظیر" عدم دخالت درامور دیگرکشورها" را به خوبی تصویرمی‌کند و از ماهیت جنایت‌کارانه و مداخله گر آن پرده می‌درد.

ال چونچو (جیان ماریا ولونته) راهزنی است که در درون خویش با دوجریان درنبرد است. یکی عشق به مردم و کمک به انقلابیون و دیگری عشق به پول. بی‌شک این دو دریک مدت طولانی نمیتوانند درکنارهم‌بمانند.

دامیانی بخوبی نبرد این دوجریان را در حالات و روحیات چونچو بررسی می‌کند. چونچو به تجربه درمی‌یابد که مزدوران دولتی، برای حفظ منافع خود، حتی برای اهرم‌های حکومتی هم‌ارزش قائل نیستند و از کشتن همردیفان خود نیز ابائی ندارند: صحنه‌ای که گروهبان به لکوموتیوران، بخاطرخارج‌کردن اسلحه ها ازدست سارقین، دستور حرکت می‌دهد، درحالیکه یکسروان به ریل مصلوب شده است.

چونچو می‌بیند که چطور دولت دست‌نشانده برای ارتشیان مزدور وسایل عیش و عشرت مهیا می‌کند و از فئودالهای غاصب حمایت و مردم دهکده‌ای را که با فئودالی درافتاده‌اند، قتل‌عام می‌کند.

ولی برق سکه‌های طلا هم او را رهانمی‌سازد. چونچو به منظور انتقام از مردامریکایی به محل اقامت او می‌رود. اما برق سکه‌ها چشمانش را کور می‌کند و مسحور می‌شود. هنگامی‌که امریکایی،

بقیه درصفحهٔ ۵

ضدانقلاب...

بقیه از صفحهٔ ۳

۸) امپریالیسم ونیروهای ارتجاعی و ضدانقلابی داخل کشور برای فلج کردن اقتصاد ایران ایجاد کمبود یا قحط محصولات صنعتی وکشاورزی، تشدید آهنگ رشد تورم، تشدید گرانی طاقت‌فرسای کالاهای مصرف عمومی (و از این راه افزایش حاد ناخرسندی عمومی) مساعی عدیده‌ای بکاربردند و می‌برند.

درجریان خود انقلاب، چنانکه افشاءگری کارمندان بانک برملا ساخت، دهها میلیارد دلار ثروت کشور به صورت ارز خارج گردید و این امر خود زیان سنگینی به اقتصاد کشورما وارد ساخت و برعکس جیب فراخ بانکهای امپریالیستی‌راازذخایر عظیمی انباشت. پس از انقلاب، مقادیرعظیمی ارز، جواهر، طلا و نقره، کالاهای گرانبها وکم نظیر باسرعت عجیبی از انواع مرزهای زمینی و هوائی کشور خارج گردید. مسامحهٔ دولت موقت و تسهیلاتی که فراهم می‌شده، این جریان را چند برابرتشدید کرده است.

خروج ارز و طلا و نقره و جواهر و کالاهای قیمتی با وارد ساختن دهها و صدها میلیون اسکناس به بازار ایران، به قصد بی‌بهاساختن ریال، همراه بوده است و با آنکه درگمرکهای ایران دهها میلیون ریال از این اسکناسهای وارداتی ضبط شده، کسی نمی‌داند که مبلغ وارد شده‌ها به‌بازار ایران (که مسلما چندین برابر مبلغ ضبط شده است) به چه میزان هنگفت و سرگیجه آوری می‌رسد.

ضدانقلاب به کمک عمال عیان و نهان و افزارهای آگاه و ناآگاه خود، تحت عناوین مختلف ازآنجمله عناوین "انقلابی"، موج وسیعی از تخصن‌ها، اعتصاب‌ها، کم‌کاریها، درموسسات صنعتی، کشاورزی، اداری ایجاد کرده و درموارد عدیده‌ای دست به خرابکاری زده است، مانند مسموم کردن آب شرکت کشت و صنعت نوروز آباد درجادهٔ قدیم کرج، که منجربه تلف شدن صدها گاو شد، و یا ربودن هزارها گوسفند درآذربایجان غربی و آتش زدن خرمنها درموارد بسیار زیاد، که منجربه اخطارهای مکرر امام شد ویا خارج کردن خواربار و نابودساختن گوشت. ضد انقلاب از راه فراردادن مدیران موسسات صنعتی، عدم تحویل یدکی و مواد اولیه موفق شد بخش عظیمی از موسسات صنعتی ما را ازکار بیاندازد. چنین به نظر می‌رسد که انقلاب دراین زمینه توانسته است به کامیابی‌هائی ازجهت راه‌اندازی مجدد بخشی از این صنایع نائل آید، ولی با این‌حال فلج عمومی تولید و بیکاری یکی از بلایای مهمی است که انقلاب را هنوز از درون تهدید می‌کند.

۹) درزمینهٔ تخریب اقتصادی و ایجاد هرج ومرج اجتماعی هم چنین میتوان از دزدی وسایل الکتریک و الکترونیک از انبارهای نیروی هوائی و انبارهای‌صداوسیمای‌جمهوری‌اسلامی‌ایران، ازحملات سارقین مسلح (مثلا به پاسگاه تورکش و پل دختر درخرم‌آباد) از ایجاد نمایش ناخرسندی بانوان خانه‌دار (به سبک شیلی) درخیابان گرگان تهران، از نقشهٔ تخریب کومپیوتر پالایشگاه اصفهان، که بوسیلهٔ تلکس دستورداده شده بود، از ایجاد شورش درزندانهای تهران و تبریز و خرم‌آباد، از فراردادن مغزها، بویژه پزشکان و کارکنان بیمارستانها، ازپخش هروئین و تریاک و سیگار قاچاق، از حملات مکرر به مراکز بانکی درتهران و شهرستانها، از توقیف سهام ایران درکمپانی کروپ آلمان غربی، ازمسدود کردن هشت‌میلیارد دارائی ایران دربانکهای امریکا، از وارد کردن دهها کامیون اسلحه برای پخش درمیان ضدانقلابیون و امثال آن سخن راند.

سقوط هواپیماها و هلیکوپتر هوانیروز و حملات به پایگاه‌های تبریز و نوژه و ایلام و سلطنت آباد و لاهوتی و پاسگاه قطور وغیره، گوشه دیگری از نقشه‌های هرج و مرج افکن و درعین حال احمقانه ومایوسانه عمال امپریالیسم و ضدانقلاب را نشان می‌دهد. اینهاست نمونه‌های مشخصی ازشگردهای ضدانقلاب.

ماطی بیان نه مورد از اقدامات ضدانقلاب کوشیدیم خواننده را بیاد حوادثی بیاندازیم که درماههای پرآشوب، پردغدغه و ناآرام گذشته‌در ایران روی داده است و این رشته کماکان سردراز دارد.

هرکس این کارنامه‌سیاه ضدانقلابی را (که‌البته بسیار ناقص است) ازنظربگذراند، هم به ماهیت امپریالیسم و عمال ایرانیش، هم به نیروی واقعی انقلاب و هدفش، هم به منشاء دشواریهای موجود بهترپی می‌برد و بهترمی‌تواند قضاوت کند.

عیب کار اینجاست که ارگانهای تبلیغاتی انقلاب درزمینهٔ افشاء، تحلیل، ارائه مدارک واسناد و آمارها و بیان استدلالات. ناکافی و ضعیف عمل می‌کنند و به صدها سئوال، که برای مردم مطرح است، پاسخ نمی‌دهند.

بسیاری از افرادی که دردام تبلیغات ضدانقلابی می‌افتند، سوءنیت‌ندارند و قابل‌راهنمائی و اقناع هستند و باید به آنها در درک درست مسائل کمک کرد.

جا دارد که‌مطبوعات انقلابی و ارگانهای تبلیغاتی رژیم، باوسایل فراوانی که دارند، در جهت رسواسازی امپریالیسم، بویژه امپریالیسم آمریکا، رژیم گذشته، ضدانقلاب کنونی و توضیح مسائل و رفع مشکلات و تردیدها گامهای جدی بردارند.

بررسی کارنامهٔ ضدانقلاب این امید راتقویت می‌کند که انقلاب ما بتواند برمشکلات آتی، که به‌هیچ‌وجه کوچکترا زمشکلات گذشته نخواهند بود، نیز غلبه کنند، بویژه که اکنون دولت انقلابی و نهادهای آن شکل گرفته است و انقلاب بمراتب ازسابق متشکل تر و آزموده‌تر است.

www.iran-archive.com

کامیابیهای نظام سوسیالیستی در لهستان

خبرگزاریها و رسانه‌های گروهی کشورهای امپریالیستی اینروزها با اب و تاب فراوان درباره رویدادهای لهستان گزارش میدهند. این گزارش‌ها اغلب چنان مبالغه‌آمیز است، که انسان را بیاد دروغهای رسوای «افغانی» آنها می‌اندازد.

اگر به ماهیت دروغپرداز وتحریك‌انگیز این بلندگوهای منافع جپاولگرانه امپریالیست‌ها اشنا نبودیم، باورمان می‌شد که نه‌تنها «رژیم گیرك در آستانه سقوط است(!)»، بلکه خانواده کشورهای سوسیالیستی را هم «خطر فروپاشی تهدید میکند(!)».

بدبختانه برخی از رسانه‌های گروهی ایران‌هم، که ظاهرا از سمپاشی‌های همین منابع «خبری» و خبرگزاریهای اجیر علیه انقلاب‌ایران درس نگرفته‌اند، عین‌این اخبار گزاف‌گویانه و تحریفی رابخورد خوانندگان، شنونده و بیننده ایرانی میدهند و بازهم از «تانك‌های شوروی درورشو(!)» سخن میگویند.

شکی نیست که‌پاره‌ای دشواریهای اقتصادی به بروز ناآرامیهایی دربرخی از نقاط لهستان منجر شده است، که عناصر مشکوك آنرا دامن میزنند. انگیزه این دشواریها را،چنانکه **ادوارد گیرك**، دبیراول کمیته مرکزی حزب متحد کارگری لهستان در نطق رادیو تلویزیونی ۲۸ مرداد ۱۳۵۹ خود یادآور شد، فزون‌برعوامل عینی فراوان، در بعضی ازاشتباهات سیاست اقتصادی باید جستجو کرد.

ادوارد گیرك، نه‌تنها برخوردانتقادی حزب متحد کارگری لهستان را درباره مسائل جاری بصراحت بیان داشت، بلکه امکان و آمادگی حزب رابرای چیرگی برآنها متذکر گشت.

ادوارد گیرك گفت: **«ما امکانات اقتصادی دراختیار داریم، که بکمك آنها به حل موثر مسائل بپردازیم»** و افزود که، کمیته مرکزی حزب بزودی تدابیر لازم را در اینباره اتخاذ خواهد کرد.

اما آنهایی که اکنون باردیگر میخواهند از آب‌گل‌آلود ماهی بگیرند و از رویدادهای لهستان برای پیشبرد مقاصد پلید خوداستفاده جویند، اصلادلشان بحال زحمتکشان لهستان نسوخته‌است. امپریالیسم‌و ارتجاع جهانی دراین کارزار تبلیغاتی مزورانه هدفهایی چندگانه رادنبال میکنند:

لهستان فرصتی است دیگر برای **برژینسکی‌ها**، برای پیشبرد تاکتیك جهانشمول کنونی و خطرناك امپریالیسم آمریکا، مبنی بر تنش‌زایی همه‌جانبه در همه‌گستره‌ها و درسراسر جهان، آنهایی که درقارهٔ آمریکا برای شکست انقلاب‌های کوبا و نیکاراگوئه و مقابله با جنبش‌های انقلابی آمریکای لاتین و دریای کارائیب به دسیسه‌های وسیع نظامی و سیاسی دست‌میزنند، در آفریقا نژادپرستان آفریقای‌جنوبی را به‌سرکوبگری خلق خویش و تجاوز علیه رژیم‌های مترقی آفریقا تشویق میکنند، در خاوردور بکمك همپیمانان چینی خود و دیگرکشورهای دست‌نشانده‌شان ویتنام، کامبوچیا و لائوس را تحت فشار قرارمیدهند، درخاورمیانه بیاری خائنانی چون سادات و تشویق‌صهیونیستی‌های‌اسرائیلی با جنبش‌های آزادی‌بخش ملی خلق‌های عرب، بویژه مردم فلسطین، به رویارویی می‌پردازند، درخود ایران ما شب وروز به‌توطئه‌پردازی‌مشغولند، اینك میخواهند، این نقشه تشنج‌آفرینانه و خطرناك، خویش .رابخیال خام خود به‌یك کشور سوسیالیستی، یعنی لهستان‌هم بکشند. اماکافی است که‌این کوته‌بینان و فراموشکاران لحظه‌ای به‌دسیسه‌های همانند خود در جمهوری دمکراتیك آلمان، مجارستان، چکسلواکی و همین لهستان در دوران گذشته بیاندیشند، تاشاید از ناکامی‌های گذشته‌درس واقع‌بینی بگیرند.

هدف دوم امپریالیست‌ها از«همبستگی» با زحمتکشان لهستان و «دفاع» از حقوق آنها انست‌که، افکار عمومی را از بحران عمیق اقتصادی که باردیگر دامنگیر جهان سرمایه‌داری شده و درزحمتکشان «خود» آن‌ها خشم و اعتراض گسترده برانگیخته است، منحرف سازند.

اکنون بیکاری و تورم در کشورهای سرمایه‌داری رشد یافته بیداد میکند. در کشورهای «سازمان همکاری و توسعه اقتصادی»، که بیست‌و چهارکشور سرمایه‌داری جهان را دربر میگیرد، اینك ۱۸٫۹۰۰٫۰۰۰نفر بیکارند. در ایالات متحده امریکا و «جامعه اروپا» بترتیب ۷۳۰۰۰۰۰ و ۶۵۵۰۰۰۰ تن در جستجوی کارند. در بریتانیا ۱۵۲۳۰۰۰ نفر، در ایتالیا ۱۸۸۰۰۰۰ نفر، در فرانسه ۱٤٤۰۰۰۰ نفر ودر جمهوری فدرال آلمان ۸۲۵۰۰۰ نفر، از یکی از بنیادی‌ترین حقوق انسانی، یعنی حق‌کار محروم هستند. به‌پیش‌بینی «سازمان همکاری و توسعه اقتصادی»، شماره بیکاران بیست وچهار کشور عضو آن، تا چهار ماه دیگر به ۲۰٫۱۵ میلیون خواهد رسید و بدین‌ترتیب رکورد جدیدی بجای خواهدگذاشت. تنها در فرانسه، آمریکا و بریتانیا نرخ تورم بترتیب ۱۵ درصد، ۲۰درصد و ۲۱٫۸ درصد است. پیش‌بینی میشود که در «سازمان همکاری وتوسعه اقتصادی»، در سال جاری فرآورده اجتماعی ناویژه یك‌درصد کاهش‌یابد. این رقم (منفی) برای آمریکا چهار، برای آلمان غربی ۱٫۲۵، برای بریتانیا ٤٫۵ و برای ایتالیا ۲٫۷۵ خواهد بود.

از سوی دیگر، همین لهستان، که اکنون کشورهای غربی‌ریاکارانه سنگش را به‌سینه میزنند و پیش‌از انقلاب و استقرار حکومت کارگری، یکی‌از عقب‌افتاده‌ترین کشورهای اروپا بشمار میرفت، درست در پرتو نظام سوسیالیستی بوده، که در ۳۷ سال گذشته، در همه زمینه‌های‌زندگی اجتماعی، بویژه درگستره اقتصادی ـ اجتماعی به‌دستاوردهایی بس‌شگرف دست‌یافته‌است. دراینجا فقط به چند نمونه اکتفا می‌کنیم:

* لهستان، درحالیکه ۱٫۱۵ درصد جمعیت جهان را تشکیل‌میدهد، اینك ۲٫۲ درصد تولید جهان را بعهده دارد. تولید صنعتی این کشور در سی‌سال پیش، بیش‌از ٦٫۵ برابر شده‌است.

* درسالهای ۵۷ـ۱۳۲۹ درآمد ملی سرانه درلهستان ۴٫۹برابر گردید. دستمزد واقعی زحمتکشان لهستان اینك دوبرابر پیکره مشابه درسال ۱۳٤۰ است. تنها در ده‌سال پیش دستمزدهای واقعی‌در آن‌کشور ۵۰ درصد افزایش پذیرفت.

* در ده سال گذشته بیش‌از ٤۵۰ کارخانه جدید در شاخه‌های کلیدی لهستان ایجاد گردیده و موسسات صنعتی بیشماری نوسازی‌شده است.

* از آغاز بنیان‌گذاری جمهوری توده‌ای لهستان تاکنون‌بیش از ۱٫۱ میلیون نفر دختر و پسر از دانشگاه فارغ‌التحصیل شده‌اند (٦۳۰ هزار نفر آنها در دهه اخیر). شماره دانشجویان لهستان به نسبت هرده هزار شهروند آن کشور ۱۳۸ است.

* در ده سال گذشته، ۲٫۷ میلیون خانه جدید در لهستان ساخته شده‌است. بدین‌ترتیب یك‌چهارم جمعیت‌لهستان دراین‌مدت صاحب‌خانه نوساز شده‌اند. شماره خانه‌های نوسازاز ۲٤ در هر ده‌هزار در سال ۱۳۲۰ به ۸۳درهرده‌هزار در سال ۱۳۵۷ افزایش یافت و بدین‌ترتیب از رقم مشابه در اغلب کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری، ازجمله‌آمریکا، سوئد، جمهوری فدرال آلمان، فرانسه، بریتانیا و ایتالیا، بیشتر است.

* هزینه خدمات اجتماعی در لهستان در چهارسال پیش ۱۹۵ میلیارد زلوتی بود، که درپنج‌سال آینده به ۲٦۰ـ۲٤۰ میلیارد زلوتی افزایش خواهد یافت.

* در سی سال گذشته شماره پزشکان لهستان به نسبت‌هر ده هزار شهروند از ٤٫٦ به ۲۳٫۳ رسید.

بنابراین پیروزیهای اقتصادی ـ اجتماعی لهستان سوسیالیستی در دهه‌های گذشته چنان چشمگیر و درخشان بوده‌است که، تنها مغرضان میتوانند، برخی از دشواریهای کنونی و موقت رابهانه گیرند و همه دستاوردهای جمهوری توده‌ای لهستان را زیر سئوال قرار دهند. نه، قصد آنها فقط آنست که بیاری برخی «گروهك‌های غیرمسئول،هرج و مرج‌طلب و ضد سوسیالیست» و با برانگیختن احساسات‌ناسیونالیستی، بخیال خود «لهستان سوسیالیستی را از درون منفجر سازند». زهی‌پندار باطل! چه، همانگونه که ادوارد گیرك خاطرنشان ساخت:

«وظیفه ماست که درنهایت قاطعیت اعلام داریم که هیچگونه‌اقدام ضدنظام سیاسی و آرامش عمومی لهستان راتحمل نمیکنیم‌ونمیتوانیم کرد. درمورد مسائل اصولی، انتظار هرگونه سازش، مصالحه و حتی‌تردیدی بی‌جاست... نظام سوسیالیستی را نمیتوان از منافع ملی لهستان جدا بحساب آورد. لهستان، برای آنکه آزاد و مستقل و مرزهای آن ازتجاوز مصون بماند، باید نظام سوسیالیستی خود را حفظ کند. نظام‌سوسیالیستی لهستان دارای اهمیت بین‌المللی است و یکی از عوامل کلیدی نظمی است، که پس‌از جنگ دوم جهانی در اروپا شکل گرفته است».

امپریالیست‌ها بیهوده تلاش میکنند، که خلق‌ها راازراه‌سوسیالیسم، یگانه‌راه آزاد زیستی و بهروزی راستین بشریت، بازدارند. هرچند که، راه پیشاهنگان تحقق این آرزوی والا و دیرینه انسانها، دشوار و پر پیچ و خم باشد.

رویدادهای جهان

پیام رهبران اتحاد شوروی بمناسبت‌سی وششمین سالگرد آزادی رومانی

لئونید برژنف و الکسی‌کاسیگین، بمناسبت سی وششمین‌سالگردآزادی کشور رومانی از یوغ فاشیسم، پیامی برای رهبران این کشور ارسال داشتند.

در پیام گفته شده است که‌حزب کمونیست و دولت شوروی‌پیگیرانه مسیر تحکیم وحدت و همبستگی کشورهای جامعه سوسیالیستی و همکاری آنها درصحنه‌بین‌المللی را تعقیب و قاطعانه در راه گسترش و تحکیم روابط دوستانه همه‌جانبه با جمهوری سوسیالیستی رومانی‌تلاش می‌کنند.

درپیام اضافه میشودکه عمیق‌تر شدن همکاری میان کشورهای سوسیالیستی درگستره های‌اقتصادی و دفاعی و دیگر گستره‌ها، فعالیتهای سازمانهای مشترك ـ پیمان ورشو و شورای همیاری اقتصادی، در خدمت آرمان صلح و ترقی است و نمونه بارز آن برنامه روشن و سازنده‌در راه ازمیان بردن کانون‌های تشنج در جهان است.

رهبران اتحاد شوروی در پیام‌خود به رهبران رومانی تاکید کردند که توسعه هرچه‌بیشتر روابط دوستانه و همکاری همه‌جانبه میان دوکشور، براساس اصول مارکسیسم‌ـلنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری، بامنافع مردم دو کشور، جامعه سوسیالیستی و آرمان صلح و سوسیالیسم‌مطابقت دارد.

«حزب دمکراتیك ملی پاکستان» رژیم ضیاءالحق رامحکوم کرد

حزب دموکراتیك ملی پاکستان با انتشار بیانیه‌ای شدیدا رژیم دیکتاتوری دست‌نشانده ضیاءالحق‌را بباد حمله‌گرفت و اعلام کرد که حضور باندهای ضدانقلابی افغانی‌در پاکستان برخلاف منافع‌ملی کشور است. این حزب دربیانیه خود اضافه کردکه رژیم ضیاءالحق تلاش دارد بیشرمانه تحت نام مقدس اسلام دموکراسی را در کشور نابود کند، درحالیکه اقدامهای رژیم‌ضیاءالحق کاملا با اسلام مغایرت دارد.

آمریکا و چین علیرغم شکست، به‌تلاش‌خود برای‌مداخله‌مسلحانه در امور افغانستان‌ادامه میدهند

روزنامه پراودا، ارگان مرکزی حزب‌کمونیست‌اتحاد شوروی، نوشت که تلاش امپریالیسم امریکا وچین برای سرنگون‌کردن دولت انقلابی افغانستان با شکست روبرو شده و دولت انقلابی از حمایت فزاینده و گسترده توده‌های مردم برخوردار میشود.

پراودا با این حال تاکید کرد که امپریالیسم، برغم‌این ناکامی، تلاش خودرا برای مداخله درامورافغانستان افزایش داده و حتی سلاح شیمیایی دراختیار باندهای مسلح قرارمیدهد.

با اتحاد شوروی از موضع‌قدرت نمیتوان سخن گفت

روزنامه‌ایزوستیادرباره استراتژی جدید هسته‌ای آمریکا نوشت:

اتحاد شوروی هرگز اجازه‌نداده و درآینده نیز اجازه نخواهد دادکه باآن از موضع قدرت صحبت شود، و هرگونه تلاشی برای بدست‌آوردن برتری نظامی نسبت به‌اتحاد شوروی محکوم به شکست است.

سلاحهای ساخت آمریکا، چین و پاکستان ضدانقلابیون افغانی درکابل بمعرض تماشاگذاشته شده است

ژنرال محمدرفیع، وزیر دفاع جمهوری دموکراتیك افغانستان، اراجیف روزنامه دست‌راستی دیلی‌ـ تلگراف را مبنی‌براینکه گویا «شورشیان» شهر هرات را کنترل میکنند، بی‌اساس خواند و این گزارش را بباد تمسخر گرفت.

وزیر دفاع افغانستان گفت که اکاذیب دستگاههای تبلیغاتی و خبرگزاری‌های غربی اکنون کاملا رسوا شده‌است و خبرنگاران‌خارجی میتوانند شخصا بی‌اساس بودن این اراجیف را مشاهده کنند.

وزیر دفاع افغانستان گفت که سلاحهای ساخت آمریکا، چین و پاکستان، که از ضدانقلابیون‌بدست آمده‌است، در کابل بمعرض تماشا گذاشته شده است.

امریکا برغم هیاهوی توخالی دربارهٔ حقوق، به‌هیچیك از قراردادهای‌مربوط به‌حقوق‌بشر نپیوسته است

اجلاس چهارهفته‌ای کمیته فرعی جلوگیری از تبعیض‌نژادی و حفظ حقوق اقلیت‌های ملی، که یکی از ارگانهای کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد است، در ژنو کار خود را آغاز کرد.

۲٦ کارشناس از کشورهای مختلف جهان ازجمله نقض‌فاحش حقوق بشر در سرزمین‌های اشغالی عرب بوسیله صهیونیست‌ها، نقض آزادی‌ها و حقوق بشر در شیلی و دیگر کشورهای دیکتاتوری رامورد بررسی قرار خواهند داد. بویژه به مسئله سرکوب سیاهان‌و آپارتایددر آفریقای جنوبی توجه خواهد شد.

این اجلاس وظیفه داردکه‌راههای بسیج افکار عمومی جهانیان رانسبت به‌پدیده‌های‌شرم‌آوری‌چون‌بردگی جنایتکارانه از کار کودکان و کارگران مهاجررا، که در بسیاری از کشورها از هیچگونه حقوقی برخوردار نیستند، مورد بررسی قرار دهد و کشورها را تشویق کند که‌به موافقت‌نامه‌های بین‌المللی‌مهم، مانند میثاق بین‌المللی حقوق‌سیاسی‌ومدنی و کنوانسیون بین‌المللی امحاء تمام اشکال تبعیض نژادی ملحق‌شوند.

این واقعیت جلب توجه میکندکه آمریکا برغم هیاهوی توخالی‌درباره حقوق بشر به‌هیچ‌یك‌از این‌قراردادها نپیوسته است.

عناصر ضدملی ومتحدان‌ارتجاع جهانی برای‌لطمه‌زدن به‌استقلال هند، درگیریهای مذهبی را دامن میزنند

مطبوعات هند در شماره‌های‌اخیر خود، ضمن اشاره به درگیری‌های فرقه‌ای و مذهبی در چند شهر هند، نوشته‌اند که عناصر ضدملی و متحدان ارتجاع جهانی می‌خواهند اوضاع هند را بی‌ثبات‌سازند، در سیاست مستقل کشور خلل وارد آورندودستاوردهای‌هندرانابودسازند.

روزنامه‌های هند، بویژه ضمن اشاره به‌حوادث کشمیراضافه کردند، که اکثریت مسلمانان راستین هند از سیاست مستقل کشور حمایت‌می‌کنند، اما عده‌ای ازعوامل‌مسلمان‌نما وطرفدار اسلام امریکائی، که در حزب باصطلاح جمعیت اسلامی جمع شده‌اند، بدستور رژیم دست‌نشاندهٔ پاکستان، شایعات دروغین منتشرمی‌کنند دایر براینکه گویا جامعه مسلمانان مورد «تهدید» قرار دارد.

از سوی دیگر یك گروه‌افراطی هندوبنام **«راشتویا اسوایامك‌سینگ»** نیز که، از سوی آمریکا حمایت می‌شود، به‌آشوب فرقه‌ای دست می‌زند.

رائو دبیرکل شورای ملی حزب کمونیست هند، از مردم خواسته است که هرگونه توطئه نیروهای ارتجاعی رادرهم شکنند. رائو گفت که اقدامات فرقه‌ای، پیامدهای خطرناکی برای وحدت و تمامیت ارضی کشور دربر دارد.

«جبههٔ ملی مترقی» سوریه را بشناسیم

جبههٔ ملی مترقی سوریه (به عربی: جبهه‌الوطنیه‌التقدمیه)، که‌هشت سال پیش تاسیس یافت، یکی از دستاوردهای مهم جمهوری عربی‌سوریه بشمار میرود. این جبهه، که نخست از حزب‌بعث، حزب‌کمونیست‌سوریه، جنبش سوسیالیست‌های عرب، اتحادیه سوسیالیستی عرب وسوسیالیستهای متحد، تشکیل‌میشد، ازبهار امسال همچنین فدراسیون‌سندیکاهای کارگری را دربر میگیرد. حافظ‌الاسد، رئیس جمهوری سوریه، ریاست جبههٔ ملی مترقی رابعهده دارد.

بموجب منشور و آئین‌نامه جبهه ملی مترقی، مهم‌ترین وظایف‌این سازمان عبارتست از: تحکیم و گسترش پایگاه توده‌ای اجتماعی وسیاسی حکومت؛ بررسی مسائل مربوط به صلح و جنگ؛ بحث درباره فعالیتهای مشخص دولت، بویژه در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی.

بدینسان، جبههٔ‌ملی مترقی، از یکسو ائتلافی است از سازمانهای ملی و ضدامپریالیست، و از سوی‌دیگر بخشی از قدرت حکومتی.

در انتخابات اخیر «شورای خلق» (پارلمان) سوریه، جبههٔ ملی مترقی لیستی از ۱۹۵ نامزد مشترك خود را به مردم معرفی کرد، که۱٤٤ تن آنها انتخاب شدند.

امپریالیسم و ارتجاع تلاش پیگیر می‌ورزند، تا با «ثبات‌زدائی» در داخل سوریه، رژیم آن‌کشور را از مشی قاطع‌ضدامپریالیستی‌اش‌بازدارند از اینرو، در حدود یکسال پیش، جبههٔ ملی مترقی سوریه برنامه جامعی از اصلاحات سیاسی، اقتصادی‌و اجتماعی تدوین کردکه، هدف آن‌بهبود وضع اقتصادی، شرائط زندگی زحمتکشان و کار دستگاه دولتی‌است. همچنین قرار است که فعالیت «شورای خلق» و ارگانهای اداری محلی گسترش یابد و توده مردم هرچه بیشتر در حل مسائل اجتماعی‌مشارکت کنند.

درآستانه انتخابات پارلمانی پرتغال، اوضاع داخلی‌این‌کشور روبه‌وخامت میرود

درحالیکه مدت زیادی به انتخابات پارلمانی پرتغال نمانده است، اوضاع داخلی این کشور روز به روزوخیم‌تر میشود. عواملی مانند عدم‌رضایت گسترده قشرهای وسیع خلق از دولت، وخامت روزافزون روابط‌میان دولت‌دست‌راستی واحزاب‌دموکراتیك و افزایش هزینه زندگی و تورم فزاینده و بیکاری بروخامت اوضاع دامن میزند.

ازسوی دیگر ساکارنیرو نخست‌وزیر دست‌راستی پرتغال، با یك رسوائی بزرگ مالی روبرو شده است. اعلام شده‌است که‌ساکارنیرو از مقام خود سوء استفاده کرده و مبالغ هنگفتی به بانکهای ملی شده کشور بدهکار است.

احزاب کمونیست و سوسیالیست ضمن اشاره به جزئیات این‌رسوائی، خواهان تحقیقات ویژه پارلمانی شده‌اند.

برقرار باد اتحاد همه‌نیروهای ضدامپریالیستی و دمکراتیك ایران در جبهه متحدخلق

www.iran-archive.com

آغاز محاکمه متهمان فاجعه سینما رکس

سرانجام پس‌از مدتها، که از تقاضای گروههای مختلف مردم مبنی‌بر محاکمه عاملان جنایت هولناك سینما رکس گذشت، دیروز صبح اولین جلسه محاکمه متهمان، به ریاست و حاکمیت شرع حجت‌الاسلام موسوی تبریزی، در محل سینما نفت آغاز شد.

حجت‌الاسلام موسوی تبریزی، که حاکم‌شرع‌دادگاه‌انقلاب تبریز نیز هست، در اولین جلسه دادگاه از جمله، در مورد توطئه‌هایی که علیه انقلاب ایران جریان دارد، سخن گفت. سپس نقیبی دادستان انقلاب، کیفرخواست تنظیمی علیه متهمین را قرائت کرد.

لازم به تذکر است که از ۳۲ متهم احضار شده به دادگاه، تنها ۲۶ نفر درـدادگاه حاضر بودند و محاکمه ٦نفر دیگربصورت غیابی انجام خواهد پذیرفت.

ما ضمن ابراز خرسندی از تشکیل دادگاه انقلاب برای بررسی این جنایت هولناك، امیدواریم که مسئولین دادگاه انقلاب اسلامی با قاطعیت و جدیت در کشف جزئیات این حادثه شوم و مجازات مسببین آن اقدام کنند و بدینترتیب بار دیگر نشان‌دهند که دادگاههای‌انقلاب تبلورختم توده‌هاعلیه‌جنایتکاران و مزدوران امپریالیسم جهانی به‌سرکردگی آمریکای‌جهانخوار هستند. محاکمه و مجازات سریع این‌جانیان پاسخ مثبتی به خواست مردم انقلابی ایران و مخصوصا بازماندگان این فاجعه عظیم خواهد بود.

یکماه‌پس از انتشار اعلامیه دادستان کل‌کشور، دفتر حزب توده ایران درشیراز مورد هجوم و تخریب قرارگرفت

* حمله عناصر غیرمسئول و ضدانقلابی به دفاتر احزاب و سازمانهای سیاسی همچنان ادامه دارد

ساعت ۳ بعداز ظهر روز جمعه ۳۱ر٥ر٥۹ عده‌ای از افرادغیرمسئول وضدانقلابی به دفتر حزب تودهٔایران در شیراز هجوم بردند و اموال و وسائل موجود در دفتر را غارت کردند.

حمله‌کنندگان، که پس‌ازشکستن قفل‌وارد ساختمان شده بودند، تمام شیشه‌ها و درو پنجره را خردکردند، وبالغ‌بر ۱۵ هزار تومان خسارت مالی واردکردند و تمام میزوصندلی و دیگر وسائل موجود در دفتر را با چند وانت به مسجد «عظیمی» شیراز بردند.

با اینکه نزدیك به یك ماه از صدور اطلاعیه دادستانی کل کشور در مورد محکوم کردن‌این‌گونه‌اعمال ضدانقلابی می‌گذرد و طی این‌مدت سایر مسئولین جمهوری اسلامی ایران نیز این اعمال را محکوم کرده‌اند، ولی هنوز هجوم عوامل ضدانقلابی و غیر مسئول به‌دفاتر احزاب و سازمانهای سیاسی، بویژه حزب توده ایران ادامه دارد.

مقامات مسئول باید هرچه‌زودتر، بطور جدی جلوی اینگونه اعمال‌را، که‌تنهاقانون اساسی‌جمهوری‌اسلامی ایران را بی‌اعتبار می‌کند و اعتبارو حرمت‌مقامات مسئول‌جمهوری‌اسلامی ایران را زیر سئوال قرار میدهد و در شرایط مشخص فعلی زمینهٔ تحقق توطئه خطرناك امپریالیسم آمریکا را فراهم می‌سازد، بگیرند.

محدودساختن...

بقیه از صفحه ۱

ما شاهد آنیم که درست دردورانی که حزب توده ایران با تمام‌امکانات و نیروی خود، به حفظ انقلاب و جمهوری اسلامی ایران از ضربات دشمن همت گماشته، دایره فعالیت حزب بدست‌عوامل ناشناخته‌ای‌تنگ و تنگتر شده است.

هرقدر انقلاب به مرز رویارویی قطعی با امپریالیسم امریکا نزدیکتر میشود و نیاز به حامیان و مدافعان بیشتری دارد، فشار بر برخی‌نیروهای راستین انقلاب فزونی میگیرد. موج یورش‌ها و حملات«اشخاص متفرقه»، که قبل‌ازتوطئه‌همدان، ازشهرستانها برخاسته بود، به قلب پایتخت‌رسید و دبیرخانه کمیته مرکزی حزب‌توده ایران و دفتر نامه «مردم» ازسوی افرادی که تا امروز هم هویت سیاسی‌شان روشن نیست،اشغال‌شد.

اعلامیه صریح‌وبدون ابهام‌دادستان کل‌کشور، که اقدامات‌تجاوزی «اشخاص متفرقه» را محکوم کرد و آنرابه زیان انقلاب خواند، قاعدتا باید به این نتیجه منطقی‌می‌انجامید که، قانون بسراغ «اشخاص‌متفرقه» آید وراه‌براینگونه اعمال‌خودسرانه، که دانسته یا ندانسته، خواست امپریالیسم امریکا است، سد کند.

ولی با تاسف باید گفت که، علیرغم اعلامیه دادستانی کل کشور، یورش به مراکز حزب توده ایران در شهرستانها نه‌تنها ادامه یافت‌بلکه تصمیمات غیرقانونی درباره‌مشروعیت فعالیت حزب از سوی برخی مراجع اتخاذ گردید. دادسرای انقلاب اسلامی در آبادان وخرمشهر، اخیرا با واردآوردن اتهامات بی‌اساس، پیش خود تصمیم گرفته است، تا فعالیت حزب توده ایران را در این دو شهر «ممنوع» اعلام کند.

موج مخالفتی که علیه حزب‌توده ایران برخاسته، بی‌شك‌در پشت سر خود دست امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب دست‌پرورده‌اش را دارد. ولی نمیتوان کتمان‌کرد که، برخی عناصر ناآگاه و متعصب نیز به این موج درغلطیده و به دامی‌افتاده‌اند، که دشمن تعبیه کرده‌است.

هشدار ما به اینگونه‌عناصراست، که خود را وفادار به انقلاب وپیرو خط امام میدانند، اما با رفتار وعمل خود آب‌به‌آسیاب دشمن میریزند.

بلندگویان آشکار امپریالیسم، چون بختیار و نزیه، باکین‌وخصومت حیوانی از حزب توده ایران سخن میگویند و خط و نشان میکشند که درصورت موفقیت در کسب‌قدرت، تحمل توده‌ایها را نخواهند کرد. آن عناصرناآگاه از صفوف انقلاب که‌با همان کین و خصومت درباره حزب توده ایران به داوری می‌نشینند ودر عمل نشان داده‌اند که تحمل‌توده‌ایها را ندارند، آیا هرگز با خود اندیشیده‌اندکه: چرا در این‌عرصه در کنار بدترین دشمنان‌انقلاب‌ایران جای گرفته‌اند؟!

نامهٔ مردم
ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران
دارنده امتیاز
و مدیر مسئول:
منوچهر بهزادی
خیابان ۱٦ آذر شمارهٔ ٦۸
(دفتر نامه «مردم» فعلا
دراشغال عناصر
غیرمسئول است)

NAMEH
MARDOM
No. 317
26 August 1980

Price:
West-Germany 8.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U S.A 40 Cts.
Sweden 1.50 Skr.

معیار پاکسازی

بقیه از صفحه ۱

طریق اعمال زور و کنار گذاردن هرکس که در چارچوب معینی فکر نمیکند و نمیتواند فکر بکند،چنان نتایج وخیمی به بار خواهد آورد که اثراتش سالیان دراز باقی خواهد ماند. اعمال زور منجر به پنهان‌کردن عقیده، دورویی و مبارزه مخفی‌می‌شود و اگر رژیم انقلابی با توده روشنفکران چنین برخوردی داشته باشد، راه را برای نفوذ ضدانقلاب در صفوف روشنفکران هموار میکند، توازن نیروهای انقلابی و ضدانقلابی را بسود ضدانقلاب برهم میزند و چنین روشی جز یاری رساندن به ضدانقلاب نیست. بنابراین با توده روشنفکران چه باید کرد؟

آیت‌الله منتظری باین سئوال پاسخ میدهد و بسود انقلاب پاسخ میدهد:

روشنفکران، در هرجا که هستند، اگر علیه انقلاب توطئه نمی‌کنند، باید از آنها حداکثر استفاده را به عمل آورد.

این برخورد صحیح با روشنفکران نقطه‌مقابل طرز فکر کسانی است‌که میخواهند همین امروز همه را «مکتبی» کنند و چون هرکس نیز تفسیری از «مکتب» دارد، جریان پاکسازی نیز به «مکاتب» مختلف تقسیم شده است.

زیان این پاکسازی، که میتواند ضربت جبران‌ناشدنی به سازندگی کشور بزند، قابل پیش‌بینی نیست. بایدرهنمود آیت‌الله منتظری را، که موافقت امام نیز پشتوانه آنست، صد درصد پذیرفت و آنرا با دقت پیاده کرد، و اگر در جائی پاکسازی با این معیار انجام نگرفته است، درآن تجدیدنظر نمود.

در عین حال نظام انقلابی ما باید روشنفکران خدمتگزار خود راتربیت کند.

یگانه شیوه ایجاد تحول در جهان‌بینی و تفکرسیاسی روشنفکران شیوه اقناع است، که باید با صبر و حوصله، آنچه را که رژیم شاهنشاهی طی سالیان دراز در مغز آنان جای داده است، بیرون آورد و اندیشه‌های درست را بجای آن نشاند.

دهها و بلکه صدها سالست که‌ما اسیر مظاهر «تمدن» سرمایه‌داری غرب و تسلیم بلاشرط در برابر آن هستیم. اکثر روشنفکران ما هر پدیده‌ای‌را با معیارهای همین «تمدن» می‌سنجند، در حالیکه این «تمدن» در اساس خود منحط است. روشنفکران ما بدون مبارزه‌ای‌شدید، که باید در سراسر جبهه انقلاب فرهنگی انجام گیرد، نمیتوانند خود را از قید اسارت فرهنگ سرمایه‌داری برهانند. این مبارزه را نهادهای دولتی باید آغاز و پیگیرانه دنبال کنند، تا بتوانند روشنفکران ما را نه‌تنها از قید اسارت فرهنگی سرمایه‌داری، بلکه همچنین از خطر افتادن‌در دام‌توطئه ضدانقلاب‌برهانند.

بی‌تردید در بین این گروه از روشنفکران نیز کسانی پیدامیشوند که بهیچ صراطی مستقیم نخواهندشد وبلکه با شبکه‌های ضدانقلاب نیز همکاری خواهند کرد. حساب این توطئه‌گران جداست، و تعدادشان‌نیز چندان کم است که، از روی آنان نباید درباره تمام روشنفکران حکم کلی کرد.

تردیدی نیست که اگر ما سیاست درست و روشنی درمورد روشنفکران (همان توده‌ای که گفته شد)در پیش بگیریم، میتوانیم اکثریت آنان را بخدمت انقلاب درآوریم. باید به روشنفکرانی که‌توطئه‌گری‌نمی‌کنند، فرصت داد که در عقاید غرب‌زده‌خود تجدید نظر کنند. باید دانست که روشنفکران صادق (آنان که در فکر توطئه‌گری نیستند و اکثریت عظیم روشنفکران را تشکیل می‌دهند) ثروت عظیم این آب وخاکند.

یکی از بزرگترین صدماتی که امپریالیسم به کشورهای در حال رشد زده و میزند، «دزدی‌مغزها»ست که خودشان آنرا مانند تمام اصطلاحاتشان مزورانه «فرار مغزها» میگویند و در این اصطلاح درمورد ایران بخصوص پس از انقلاب،معنای خاصی را می‌گنجانند که گویا روشنفکران‌ایرانی از «جهنم»گریخته به دامان«پرمهر» امپریالیستهاپناهنده میشوند!

ولی اکثر این روشنفکران‌فراری ازهمان‌گروه اولند و در «وطن‌اصلی» خودشان نیز کار نمیکنند و از پول‌هنگفتی که دزدیده‌اند، میخورند. برخی دیگر نیز روشنفکران «تازکدلی» هستند که طاقت شنیدن کمتر از گل را ندارند و متوقعند که درایران پس از انقلاب‌نیز زحمتکشان‌با آنها همان رفتار سابق را داشته باشند. مثلا یك کارگر در برابر مهندس مرده بیحرکت بشد و یا یك زحمتکش بیمار بیاید و در برابر اطاق معاینه پزشك گردن کج کرده منتظردستور آقای دکتر بشود که او را معالجه خواهد کرد یا نه

ما منکر آن نیستیم که درکشور ما پس‌از انقلاب، دراین‌زمینه زیاده‌رویهائی شده و اقدامات نامعقولی انجام‌گرفته‌است. اما اگرروشنفکری به این خلق و این آب و خاك علقه‌ای در دل خود احساس میکند، باید تحمل این زیاده‌رویها واقدامات نامعقول را هم بکند، زیرا در نظام شاهنشاهی، بدانگونه که در ثروت مادی دو قطب غیرقابل قیاس بوجود آمده بود، در ثروت معنوی نیز بین روشنفکران و توده‌های مردم همین فاصله‌وجود داشت. ٦٥ درصدبیسواد دربرابر مشتی روشنفکر، بخصوص در رشته پزشکی، که زحمتکشان برای کسب تخصص آنان میلیونها تومان پول داده بودند. آن کارشناسی که کشورش را در چنین حالی میگذارد و میرود، با ایران‌و مردمش رابطه‌ای ندارد.

اما کسانی که برای «دزدی‌مغزها» بوسیله امپریالیسم شرایط بوجود بیاورند نیز گناهکارند و آیت‌الله منتظری بهمین نکته اشاره کرده میگوید:

«در عین‌حالی که باید امر تصفیه اجرا شود و افراد ضدانقلاب وافراد توطئه‌گر پاکسازی شوند، ولی در عین حال باید مواظب باشند مغزهای پرارزشی که در کشور هست، تصفیه نشوند و از کشور خارج نگردند. بالاخره بایستی منافع و مصالح کشور اسلامی ایران در نظر گرفته شود...نسبت به افرادی که‌وجودشان باارزش است و اهل توطئه هم‌نیستند، باید ارفاق کرد و از وجودشان‌بنفع کشور استفاده نمود.»

آیت‌الله منتظری میزان سنجش را درمورد برخورد با روشنفکران درست تعیین کرده‌اند:

از روشنفکری که عقاید دیگری دارد، ولی توطئه نمیکند، بایداستفاده کرد، و توطئه‌گر را، هرچندتخصصی برجسته داشته باشد، باید بسود انقلاب تصفیه کرد، زیرا چو دزدی با چراغ آید گزیده‌تر برد کالا. یك متخصص برجسته مثلا در مورد صنعت نفت، که توطئه‌گر باشد،می‌تواند زیانی وارد کند که تنها پس از چند سال بتوان خرابکاری او را کشف کرد.

مرز تصفیه از میان توطئه و همکاری میگذرد. در مسئله برخورد به‌روشنفکران جای‌خودکامگی‌نیست. خودکامگی در این مسئله لطمات جبران‌ناپذیر به کشور خواهد زد.

کشف شبکه کودتای تیرماه درنیشابور

در ادامه کشف و دستگیری‌عوامل توطئه کودتای تیرماه، شبکه گسترده‌ای از کودتای نافرجام در نیشابور کشف شد.

در پی کشف این شبکه، محمد جعفری، سرپرست شرکت تعاونی و روستایی دهات ماروس و خانلق دستگیر و روانهٔ زندان شد. درهنگام دستگیری جعفری، تعداد بیست‌قبضه اسلحه از خانه نامبرده بدست آمد.

همسر جعفری، که قبلا دستگیر شده بود و فعلا آزاد شده است، اعتراف کرد که شوهرش ۷۰قبضه اسلحه خریداری کرده و برای کودتاچیان به تهران فرستاده‌است.

محمد جعفری چندبار به آمریکا سفرکرده بود.

در ارتباط با محمدجعفری وتوطئه کودتای نافرجام، یکی ازآموزگاران نیشابور بنام هاشمی و ۲۱نفرازاهالی روستای حاجی‌آباد از توابع‌نیشابور، توسط سپاه پاسداران این شهر دستگیر شده‌اند. گفته میشود که این افراد از چماقدارانی بودند که در دوران انقلاب به شهر حمله‌ور می‌شدند.

لازم‌به تذکر است که حیدری، یکی دیگر از عوامل این توطئه‌شوم علیه انقلاب ایران نیز از اهالی نیشابور بوده‌است.

ما از مقامات مسئول میخواهیم‌که با پیگیری ارتباطات این شبکه‌مخوف در نیشابور و با دستگیری تمام‌عوامل موثر و یاری‌دهنده آن، ریشه‌ضدانقلاب را در این خطه از بین ببرند و انقلاب را در مسیر رشد خودیاری رسانند.

پخش آزادانه مواد مخدر در روستاهای مراغه

قاچاقچیان وعوامل ضدانقلاب در روستاهای خوجه‌میر، فراء، علیوان و میناب آزادانه به‌پخش‌مواد مخدر اشتغال دارند ومعتادین کار رابجائی رسانده‌اند که در قهوه‌خانه‌های خورشید .واطمینان واقع درخیابان مسلم، بطورآزادمواد مخدراستعمال میکنند ومامورین هم در جلوگیری از این کار کوتاهی میکنند.

جاداردکه مقامات محلی درامر مبارزه بامواد مخدر، که در حال حاضر بطور ضربتی توسط حجت‌الاسلام‌خلخالی وگروه ضربت انجام میگیرد، اقدامات جدی بعمل آورند

تاسرکوب‌قطعی...

بقیه از صفحه ۱

بطوریکه اخیرا سیاستمداران و روزنامه‌نگاران مطلع نوشته‌اند. «مثلث استراتژیك» (جزیره دیگوگارسیا در اقیانوس هند، جزیرهٔ مصیره در سواحل‌عمان و بندربربره در کنار باب‌المندب)، که پنتاگون درست‌کرده و بانواع سلاح‌های تازه مجهز نموده است، بخشی از نقشه تجاوزکارانه «جهانی» امپریالیسم جهانخوار است، که اکنون درنوبت اول علیه جمهوری اسلامی ایران، سواحل جنوبی و منابع نفت‌خیزآن متوجه است.

و بالاخره درباره پاکستان باید گفت که در پی‌دیدار اخیرضیاءالحق (وصدام حسین) از ملك خالد و قرار اعزام یك‌لشکر ازنیروهای‌مسلح پاکستان (درمقابل ۱ میلیارد دلار)به عربستان سعودی (که ٤۰۰ نفر آن هم‌اکنون وارد عربستان سعودی شده‌اند)، همدستی نظامی پاکستان با عربستان سعودی (و دیگر رژیم‌های دست‌نشانده منطقه) درطرح کلی امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب‌ایران گسترش یافته است.

ازاین منظره خارجی که بگذریم، امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم امریکا، همه دستگاههای جهنمی خود را در واشنگتن و لندن‌وپاریس بکار انداخته، به تهیه زمینه یك کودتای ضدانقلابی جدید در داخل ایران و بسیج و تجهیز پسمانده‌های سرکوب‌نشده ساواك و فراریان نیروهای مسلح «آریامهری» مشغول است، که هرروز نمونه‌های‌جنایت‌بار آنرا، که یکی پس‌از دیگری‌فاش و رسوا میشود، می‌بینیم.

در این شرایط، اهمیت فوق‌العاده آماده‌باش «ستاد عملیات مشترك‌غرب کشور» بخوبی آشکار میگردد. از از اینرو ما دیروز،بلافاصله پس از صدوراطلاعیه، اعلام کردیم که این اقدام ارگانهای مربوط و مسئول جمهوری اسلامی ایران اقدامی‌است صحیح، بجا و ضرور، که لازمست‌در همه‌زمینه‌ها گسترش یابد. شایسته است که‌همه نیروهای‌راستین‌انقلاب، با توجه کافی به حساسیت فوق‌العاده لحظه کنونی، به اهمیت آماده‌باش عمیقا پی‌برند و با استقبال از این اقدام دولت جمهوری اسلامی ایران، در جهت اجرای درست آن تدابیر لازم‌رابیاندیشند وتوصیه‌هاورهنمودهای ضروری را به همه مردم‌درمنطقه و در سراسر کشور بدهند.

نظام جمهوری اسلامی ایران را، که مهمترین دستیاورد انقلاب شکوهمندمان برهبری امام خمینی است، درمقابل دسایس پی‌درپی و توطئه‌های گسترده امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب پرورده‌اش، تحکیم‌کنیم و به‌پیش بریم.

تصحیح

در خبری که در نامه «مردم»، شماره ۳۰۹، مورخ ۲٦ر٥ر٥۹ تحت عنوان «جریان یك دادگاه» درج گردید، اشتباهاتی رخ داده است‌که به‌شرح زیر تصحیح میگردد:

۱ـ آقای فرامرز نصیری، ساکن روستای زید علیا، کارمند برق منطقه‌ای است.

۲ـ مالك روستا در ده زید علیا زندگی نمی‌کند.

همچنین آقای فرامرز نصیری، مدتی بعد از جریان دادگاه، مجددا به دادگاه احضار و مدت ٤۸ ساعت، به «جرم»تحریك‌روستائیان به«تصرف عدوانی» بازداشت میشود. وی با قید ضمانت به‌مبلغ یك میلیون ریال آزاد شده است.

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود